

شمارهٔ ۲۳-۲٤ سال پنجم

فهرست مندرجات

اعلان

ازصنایع بروزهای ذات ستوده صفات اعلیحضرت سراج الملة والدین بادشاه ترقیخواه دولت علیه افغانیه وسعی وهمت جناب جرنیل کار خانه جات ، ماشین خانهٔ مبارکهٔ دارالسلطنه کابل علاوه برایفای حوایج دولتی وعسکری مانند آلات حربیه دفاعیه و اونیفورمه‌های عساکر شاهانه وغیره ، بعضی دیگر مصنوعات داخلی که ازان اهل وطن استفاده میتوانند نیز ساخته شده است که ازحضور اعلیحضرت همایونی حکم فروش انصادر گردیده است : محل فروش این چیزهای ، ذیل (دکان عبدالله خان دربازار ارك) میباشد.

(١) سرج های پشمینه بافی برنگهای مختلف که قیمت آن ازقرار گزانگلیزی ٣ فوته مشخص شده ، درصندوقخانهٔ جنسی هم بفروش میرسند

اقسام	قسم اول					قسم دوم					
درجه‌ها	درجهٔ اول	درجهٔ دوم		درجهٔ سوم		درجهٔ اول		درجهٔ دوم		درجهٔ سوم قدری کلفت قیمت آن ١٥ پیسه زیاده شد	
رقم	تا حال ساخته نشده	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ	رنگه	خودرنگ
قیمت		٧ روپیه ٥ پیسه	٦ روپیه ١١ پیسه	٦ روپیه ٤٢ پیسه	٥ روپیه ٤٨ پیسه	٦ روپیه ٩ پیسه	٥ روپیه ١٨ پیسه	٦ روپیه	٥ روپیه ١٠ پیسه	٦ روپیه ١٥ پیسه	٥ روپیه ٢٥ پیسه

کشمیره های قسم اول درجه دوم از قرار گزانگریزی | کشمیرهٔ چهارخانه ٧ روپیه ٣٥ پیسه | کشمیرهٔ زهدار هر رقم ٧ روپیه بیست پیسه

٢ جرابها

رقم	نکبانکه زوج	راهدار زوج	معمولی زوج
قیمت	١ روپیه ٥٢ پیسه	٤٥ پیسه	٣٦ پیسه

(٣) تکمه‌های چرمی محراب ومنبردار

رقم	کلان فی درجن	میانه فی درجن	خورد فی درجن
قیمت	١ روپیه ٤٠ پیسه	١ روپیه ١٠ پیسه	٥٥ پیسه

(٤) کروره های جدیدساخت

رقم	زه باف یك اسپه دوکره دو تاره	زه باف یك اسپه دو کره سه تاره	چرم باف یك اسپه	یك اسپهٔ چار تارهٔ تخی
قیمت	٨ روپیه و ٣٣ پیسه	٩ روپیه و ٢٤ پیسه	٨ روپیه و ٤٢ پیسه	٦ روپیه و ١١ پیسه
رقم	چرم باف دسته بادامی دواسپه	چرم باف دسته دولانه یك اسپه	دسته دولانهٔ یکی جاز اسپه	چرم باف همرکاب
قیمت	٤ روپیه و ٤٨ پیسه	٤ روپیه و ٤٦ پیسه	٨ روپیه و ٢٣ پیسه	٤ روپیه و ٤٣ پیسه
رقم	قبضه برنجی کلبت نقرهٔ توبخانه	قبضه کلبت نقره ازچرم سه لابه توبخانه	زه باف رقم سواری سامی کلبت	زه باف دو تارهٔ رکابی
قیمت	٣ روپیه و ٥٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٧ پیسه	٥ روپیه و ٩ پیسه	٥ روپیه و ٥٤ پیسه
رقم	رکابی ازنغ	چرم باف میانه چوب بیت زنانه	ازنغ سواری تیغ چرمی	زنانه ابریشمی خیاطهٔ
قیمت	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه	٤ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٨ پیسه
رقم	دسته بادامی تیغ چرمی	دستهٔ دولانه سامی برنجی کلبت نقره	از نغ سواری دولابه تیغ چرمی کجك دار	چرم باف مابین بیت یك اسپه
قیمت	٤ روپیه و ٤٩ پیسه	٤ روپیه و ٤٥ پیسه	٤ روپیه و ٥٩ پیسه	٨ روپیه و ١٢ پیسه

(٥) قسام گلهای مصنوعی سر

قسم	گل جرین	گل نافرمان	گل برینه	گل شبو
قیمت	٥ روپیه و ٣٦ پیسه	٦ روپیه و ٦ پیسه	٦ روپیه و ٧ پیسه	٦ روپیه و ٣ پیسه
قسم	شکوفهٔ نارنج	گل یاسمن	گل نسترن	جنبیلی
قیمت	٧ روپیه و ٤٥ پیسه	٦ روپیه و ٥٨ پیسه	٥ روپیه و ٣٨ پیسه	٦ روپیه و ٨ پیسه
قسم	شکوفهٔ سیب	گل گلاب	گل سوسن	گل گندمی
قیمت	٦ روپیه و ٣٥ پیسه	٧ روپیه و ١٢ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه	٦ روپیه و ٥٤ پیسه

(المشتهر) (میر محمد هاشم دفتری کار خانه‌جات (کمیدان نظامی))

قیمت سالیانه

دردار السلطنهٔ کابل ۸ روپیه کابلی

در اطراف داخله مملکت

با اخراجات داك ۱۴ روپیه کابلی

در خارج مملکت

با اخراجات داك ۱۰ روپیه انگلیزی

بهر پانزده روز یکبار نشر میشود

قیمت یك نسخهٔ آن در کابل یکعباسی است

(اوراقی که درج نشود اعاده نمیشود)



مدیر و سر محرر

محمود طرزی

اداره خانه و مطبعه

در ماشینخانهٔ دار السلطنهٔ (کابل)
همه امورات تحریریه به اداره خانه
بنام مدیر فرستاده میشود

تاریخ قمری غره شوال ۱۳۳۴ تاریخ انگریزی ۱ اگست عیسوی ۱۹۱۶ تاریخ شمسی ۱۰ اسد ۱۲۹۵

عید سعید میامن پدید (فطر) این سال فرخ فال ۱۳۳۴ هجری نبوی صلی الله علیه وآله وسلم را «سراج الاخبار افغانیه» بر همهٔ مومنین ومؤمنات امت ناجیهٔ اسلامیه ز صمیم دل مبارکباد میگوید. حفظ وصیانت دین مبین مقدس را از شر دشمنان آن از بارگاه صمدانی تضرع ونیاز میکند

«جشن مقدس اتفاق ملت»

چون این یك بدرجهٔ اثبات و تحقیق پیوسته است که جمیع اسباب ترقی ومدنیت وفرخندگی وسعادت، وکامیابی ومظفریت، وامن ورفاهیت وفیروزی وغالبیت ازیمن فیوضات اتفاق ترشح ونشأت نموده‌اند، لهذا مقصداهم عنوان مقدس ومعظم «اتفاق ملت» عبارت از تقرر وتمکن افکار عموم افراد ملت است برچنان یك نقطهٔ واحد، ویك مرکز کثیر الفوایدی که از انجا بزودی و سهولت وصول وشمول شان بشاهراه ترقی وتمدن ممکن ومیسر باشد. وآنهم بجز اینکه از همه اول بهر نظم وایفا، واداره واجرای جمیع امور، وکارهای ضرور خود یك شخصیت فاعل، ویك هیئت مختاری انتخاب واتخاذ نماید بکلی عدیم الامکان وغیر متصور است که به مطلب ومرام فایز ونائل گردیده کامیاب شوند. یعنی خیلی یك مسئلهٔ بااشکال ویك احتمال محال عدیم الانحلالی است که یك ملتی بیوجود یك آمر ومتبوع بتواند، آزادی واستقلال ملی، واوضاع حال واستقبال وطنی خویش را حفظ وصیانت نماید. پس مراسم ذی مکارم «جشن مقدس اتفاق ملت» که همه ساله بتاریخ دوازدهم سرطان در جمیع ممالك محروسة المسالك وطن عزیز ما افغانستان صانها الله عن الافات والخسران ازطرف عموم ملت نجیبهٔ افغان بایك ذوق و مسرت بسیار درخشان، ویك حظ ولذت فوق العادهٔ عظیم الشانی اجرا میشود، فی الحقیقت یك یادگار پرشوق و هوس ویك تذکار خیلی بزرگ ومقدس آن روز فیروز سعادت اندوز میامن افروزی است که در آن همهٔ افغانان عالم نخستین بار جمع وفراهم گشته، وبیکدیگر صدای اتحاد، وصلای اتفاق در داده از نفس خودها بکمال فرحت ورضا، وصدق وصفا یك نفر را برگزیده برخویش پادشاه واولو الامر مقرر وتعیین نموده همه‌گان بالاتفاق، بنابر امر وارادهٔ حضرت آفرینندهٔ خلاق، وقادر علی الاطلاق، باتمام رغبت واشتیاق وقلوب خالی از نفاق، نطاق محکم حلف ومیثاق خدمتش را جست برمیان ربط والحاق نموده، واز غیرت ذاتی وشجاعت فطریٔ خود دوستان را یادآوری واخطار، ودشمنان را تخویف، وانذار فرموده، در مقابل همهٔ عالم، وسایر امم، خود شان را یکی از ملل معظم، واقوام ذی همم بقلم آورده، استقلال ملی، وحریت قومیٔ خویش را ثابت ومسلم داشتند چنانچه درین بارباز برای اعاده وتکرار آن روز فیوضات آثار سعادت نثار افغانی، جشن موصوف اتفاق ملی، دوشبانه روز متوالی، ازطرف عموم اهالی باتمام فرحت و مسرت، و چراغان وزینت، در زیر سایهٔ ترقیاتوایهٔ ذات شوکتسمات پادشاه ترقیخواه مقدس محبوب القلوب ملت جلیلهٔ افغان «اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب الله خان» ادام الله دولته الی اخر الدوران بکمال ترتیب و انتظام از قرار ذیل آغاز وانجام یافت

(مراسم دربار معالی بار جشن مقدس اتفاق ملت)

امسال چون جشن مقدس اتفاق ملت از حسن اتفاق بتاریخ ۲ رمضان سعادت فیضان تصادف ورزیده بود، ازان رو از چندروز در همهٔ مردم طبعاً یك مراقی در ینباب حس میشد که آیا مراسم پرمکارم این جشن بزرگ ملی بچه نهج وصورت انتظام وسرانجام خواهد یافت؟ که بنابران روزی چندقبل از تشریف ماه رمضان فیضرسان ازطرف جناب ایشیك آقاسی ملکی که بالخصوص بامور اداره و تنظیمات همچنان دربار های بزرك جشن‌ها وعیدها وغیره مأمور میباشند اعلانهای رسمی برای رفع شبههٔ واردهٔ فوق که در خیال عموم مجسم داشت در نقاط مهمهٔ شهر مینو بهر عزیز ما چسبانده و آویزان شده بودند تا اهالی آنرا دیده از ان کیفیت

انعقاد دربار جشن را دانسته وبر طبق آن عمل پیرا گردیده خواطر خودرا تطمین وقلوب خودرا تسکین دهند . پس بموجب هدایات اعلان مذکور جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری، واصناف علما، واشراف شهرواطراف دارالسلطنه کابل که بتوسط رقعه‌های مخصوص وتکتهای خبری دوروز قبل ازطرف ایشیك آقاسیان ملکی و نظامی و سارجن میجر دعوت واخبار گردیده‌بودند بساعت ۶ ونیم عصر دوشنبه حاضر سلامخانهٔ عام شده وبعد از توقف ثلث ساعت نماز گاهی که در چمن لطافت پیرامن سمت غربیٔ قصر شوکت احتوای دلکشا تهیه وتفریش شده‌بود برای ادای صلوت مغرب عازم گشته بعداز مرور چار پنجدقیقه که‌در اثنای راه صرف‌شد هرصنف بدرستی وانتظام‌تمام داخل صفهای نمازگردیده ، وباریسمانهای باریك ودرازی تسویه وترتیب صفوف قرار اصول معمول بعمل آمده همگان برجاهای خودقرار گرفتند . سپس در پتنوسهای خوشرنك ، و ظریف . لوله هـای کاغذیٔ رنگا رنك ولطیفی که در هرکدام آن سه‌سه دانه نقل پیچیده وملفوف بود برعموم صفوف فی نفر یك لوله ، دولوله بغرض افطـار که تعجیل آن ازسنن سید الابرار است توزیع وتقسیم‌شد ، درین اثناءین هنگامیکه هرکس، باتمام‌شوق وهوس‌تشریف شوکت‌ردیف ذات‌قدسیت صفات‌اعلیحضرت بادشاه معظم ومقدس خود را بك آرزو وامید ، ویك مراق شدیدی می‌پروراند . ازعقب صفوف وازراه‌سمت شمال نمازگاه ناگاه‌بسواری اسپ‌صبا رفتارچهرهٔ ملاحت‌بار فرحت‌آثار فرخندگی دثارسعادت نثار شهریار مراحم کردار عطوفت شعـار ملت نجیبهٔ افغـان « اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان » صانه‌الله بالحفظ والامان ازدور ظاهر ونمایان گشت. همگان بنابرحفظ آداب سلام ووفای مراسم تعظیم وا کرام برپا خاسته بعرض و تقـدیم تحیات شاهانه و ادعیات ملوکانه پرداخته صف‌بستهٔ عزت واحترام گردیدند ، ذات مکارم صفات مراحم آیات اعلیحضرت همایون اقدس والا بعدازانکه عموم صفوف‌را بهیئت عمودی دراثنای مرور ، ضمناً ملاحظه وعبور فرمودند عنان عزیمت موکب شوکت موهب همایونی را متوازیٔ خطوط صفوف عطف‌داده در مقابل صف اول عین برنقطهٔ وسط توقف ورزیده در حالیکه جمیع حضار چهرهٔ بملاحت شهرهٔملوکانهٔ شانرا باکمال ذوق وسرور مشاهده وتماشا می کردند عموم را مخاطب نموده چنین بکلام‌حکمت انجام ابتدا فرمودند « جشن اتفاق ملت ، جشن خوشی و آزادیٔ افغانستانست از درگاه حق سبحانه تعالی‌همیشه آرزو دارم که‌این جشن‌را دائمـا برماوشماآزادی وشادمانی بگذارند امسال چون جشن مذکور درماه رمضان افتاد ازآرزو مرکـی لامحال باین خیال بود که‌سررشته وانتظام آن بچه اصول کرده خواهدشد ؟ خودمن بفکرم‌خود خواستم شمارا ازقرار سابق بهده یازده‌پنجهٔ روز هم مناسب ندیدم چرا که‌دراینصورت برهمـهٔ شما درین روزه داری بسـیار تکلیف بود که بیهوده و بیکار برجاهای خود می‌نشستید ، وهرکس‌درفکر زود گذشتن‌روز خودسر بزانو افگنـده میرفت ، و برخلاف اینهم درست نبود که شما را بکلی نمیخواستم ، لهذا همین وقت عصر را مناسب یافتم که یك‌جا باهم دیده وافطار کرده وهرکس شیرینی خودرا گرفته مرخص شود . وامسال اینهم نمیشد که بمانند سالهای سابق همهٔ شمارا صنف بصنف مفصل‌از نظر بگذرانم . چرا که‌دراثنای‌چنین روزه داری بسیارسخت‌ودشوار مینمودالبته‌برای شماهایك کارسهل‌وآسانی بود امابرای‌من سخت‌تکلیف داشت که‌تنها یك آدم همهٔشمارا ازنظر بگذرانم ، این‌جشن بهمراه‌امسال دوسال دیگر هم‌درماه‌مبارك رمضان خواهد آمد، وتابحال این‌دوروزهٔ که گرفته ایم خودمن ذاتاً هیچ تکلیفی دران حس نکرده ام وهوا هم‌نسبت بچند روز پیشتر قدری سرد شده انشاء الله برشماهم امیداست بصحت وعافیت گذشته باشد ،وازان زحمتی ندیده‌باشید . وبالفرض‌اگر یك تکلیف ومشقتی هم ازان‌بمارسد باید آنرا بصبروطاقت مقابله‌کنیم چرا که‌بنده هستیم ، وخالق مارا به‌ادای فرایض‌خود امرفرموده‌میباید که‌بهرصورتیکه ممکن‌باشد دربجاآوردن آن حتی‌الوسع کوشش‌ورزیم» درین اثنا چون وقت افطار خیلی قریب بود ازاروذات شوکتسمات اعلیحضرت همایون اشرف والا همه گان‌را بنشستن امر واجازه نموده وخودهم ازبالای‌اسپ شرف نزول‌فرموده برمصلای‌امامت مسندآرای عزت ودیانت گردیده منتظر رسیدن وقت افطار وادای نماز گشتند ، چنانچه‌بعدیك‌وقفهٔ مختصر ازبالای‌تپهٔ بیمارو که‌موقع انداخت توپ‌است اول یك دود مسرت اندودو متصل آن یك آواز مهابت‌اندازاکه‌وقت افطار را اشعار نمود.سامعه نواز گردید که بنا بران هر کس باشیرنی که‌قبلاً به‌او داده شده بود روزهٔ خودرا بازنموده بتهیهٔ نماز آغازنهاد ومؤذن هم‌بیك‌آواز معتدل ومتوسط بکمال خوش الحانی اذان گفته وازصف اول هم صدای اقامت بلند گردیده عموم حضار باکمال ذوق ومسار‌بپادشاه‌دیانت‌اکتناه‌عطوف مرحمت‌شعار وپدر ترقیخواه‌رؤف‌شفقت کردار خود شان اقتدا ورزیده باحضور قلب و صفای عقیدت یك نماز بسیار باتأثیر وحرارتناکی بجا آورده‌شد . بعد چون صلوت انجام ودعا ختـام پذیرفت . همه گان جانب عمارت باشوکت سلامخانهٔ عام متوجه گشته ، وبعد ازچند دقیقه جمیع‌علمای عظام وخوانین ذی احترام واهل مناصب ملکی وعسکری حسب مراتب برچوکیهـای مخصوص وجاهای مناسب خودها نشستند وضعیت داخلیٔ دالان بزرك سلامخانهٔ عام چنان یك منظرهٔ خوشنمای بازینت وانتظامی‌را تشکیل داده بود که زبان ازتقدیر ، وقلم ازتحریر وصف وتعریف آن عاجز وقاصر است . چالرهای نفیس وبلورینی که‌ازسقف مزین وزرین دالان آویخته ودران شمعهای کافوری‌لطیف ورنگینی افروخته‌شده‌بودند برظروف واوانی قیمتدار بسیار زیبا و اعلاییکه‌برمیز بزرك حضور بکمال دقت واعتنا چیده شده بود عکس انداز وپرتو نثار تجلیات وانوار گردیده زینت ولطافت صوری آنها را دوبالا میساخت . برندهٔ خارجی سمت شمالی سلامخانه وزیرآن موقعٔ باصفای خوش هوائی که برای میرزاها، ودفترها وکاریکر های ماشین خانه‌ها و معلمهای مکتبها و کلانتر هـا وغیره تخصیص داشت ودران هرصنف بکمال درستی ونظام اخذ مقام نموده‌بود ، باقالینهای زیبا وفرشهای اعلا ، وتجیرهای خوشنمائی تزیین وبالامپهای بزرك وگران بهای تنویر یافته بود که انسان چون همهٔ ان ترتیبات وتنظیمات ، وچراغان ها وتزیینات را میدید یك حظ وفرحت وذوق ولذت عظیمی درقلب ودماغ خود حس می‌نمود .

بعد از وقفهٔ نصف ساعت عین هنگامیکه از صف دادن میز های نانخوری فراغ کلی حاصل شده بود ، ازبیرون سلامخانه اواز دلنوا

موزیکهٔ عسکری که سلامیٔ بزرگ شاهانه را نواخت ، ورود مسعود همایونی را بهمه کان اعلان واخبار نمود ذات اعلیحضرت بادشاه معظم محبوب القلوب مقدس ما از دروازهٔ سمت غربی با کمال شوکت و احتشام بمعیت شاهزاد کان عظام داخل دالان سلامخانه عام گردیده عموم حضار برای ادای سلام صف بستهٔ عزت واحترام کشیدند ذات اعلیحضرت همایونی بعدازانکه درمقابل میز مخصوص نانخوریٔ شاهانهٔ شان بتمام عز وشکوه جلوس فرمودند همکنانرا به نشستن وصرف طعام امر واجازت داده بعد ازان خوردن عمومی مشغولیت حاصل شد برهر میز انواع میوه های تازه واطعمهٔ لذیذه حاضر گردیده بود بعد ازانقضای یکساعت که در اثنای طعام وچای نوشی صرور نمود ، به آوردن دستمالهای شیرینی ابتدا ورزیده شد . تابه نصف ساعت دیگر هم تقسیم و توزیع شیرینی دوام ورزید . واخیراً بساعت ۱۰ چون طبعاً یك فراغت وفرصت عمومی دست داده بود ذات اعلیحضرت همایونی همه کانرا رخصت عودت عطافرموده پس ازانکه موزیکه درخارج سلامخانه با کمال هیبت سلامی آخری بادشاهی را نواخت هرکس بسمت عزیمت خود متوجه گشته بدینطریق مراسم در بار فرحت بار سلامخانهٔ عام باتعلیم ترتیب وانتظام انجام واختتام یافت . درشب دوم جمیع ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلمای عظام ، وخوانین ذی احترام بالباسهای مخصوص درباریٔ شان به چمن وسعت پیرامن قصر معالیحصر استور دعوت شده بودند ، وضعیت موقع خیلی زیبا . و هوش ربا یك منظرهٔ را تشکیل داده بود هرطرف با چراغانها وزینتهای بسیار مکلف منور ومزین یافته بود . همهٔ شب بعد ازفراغ طعام افطار تا به وقت سحری موزیکه ها نغمه های بسیار لطیف دلنواز ، وسرود های ذوق آور نشاط اندازی می سرائیدند بعد ازطعام سحری وتوپ صبح جمیع حاضرین را از طرف قرین الشرف همایونی رخصت عودت . واجازه عزیمت عطاو مرحمت گردیده پس ازانکه سلام آخری ذات ملوکانه ازطرف عموم بجا آورده شد هرکس بسمت مقصود خود عازم ومتوجه گشته بدینطریق با کمال فرحت وسرور ، ولذت وحبور مراسم مجلس لیلهٔ مبارکهٔ دوم جشن که رسماً درچمن صفا پیرامن قصر معادتحصر استور ترتیب وانعقاد یافته بود ختام وانجام پذیرفت .

§

(آذین وشهر آئین)

برای شبهای پنجشنبه وجمعه بعموم دکاندارهای همه بازارهای شهر عزیز مینو بهرما از طرف دایرهٔ بلدیه خبریك آذین وتزیین عمومیٔ بازار ها تبلیغ گردیده بود که بنابران ازابتدای روزچهار شنبه هرکس بآراستن وزینت دادن دکان خود بکمال جدیت اشتغال ورزیده تابوقت عصر روز مذکور همهٔ بازارهای دارالسلطنهٔ با طنطنهٔ کابل را یك مسرت ونازکی ، ویك نشاط وفرخندگیٔ فوق العادهٔ احاطه واستیلا نموده عوام الناس جوق جوق دیده میشدند که درمقابل هردکان برای تماشای قطعه های تصاویریکه ازجبهٔ دکان آویخته شده بودند ایستاده درتصورات زینت ورونق آن سراسر محو ومستغرق بودند . درشب اول ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت بادشاه ترقیخواه رعیت پرور وپدر خیرخواه عاطفت گستر ملت باعموم شهزاد کان عظام که بهمرکابیٔ همایونیٔ شاهانه شان معیت داشتند بسواریٔ موتر همهٔ بازارها را سیر وتماشا فرموده وهر دکانداری که دکان خودرا نسبتاً به تکلیفات وتزیینات زیادی آراسته بودموجب تقدیر وتحسین وانعام والطاف همایونی میگردید . درشب دوم هم ذات اعلیحضرت بادشاهی وعموم شهزاد کان گرامی بعضی دکانهای بسیار بازینت وانتظام بازار ارك را بقدوم میمنت لزوم خودشان مشرف ساخته ، ویکان یکان اسبابهای جدید ونفیسی را عمداً بقیمتهای بسیار بلندی خریداری فرموده وازین اخذ وعطای شاهانه یك سود ومنفعت کلی بصاحبان مال راجع وعاید گشته بدینصورت قلوب عموم اهالی را باین وضع مرغوب ولطف ومرحمت عمیم شاهانهٔ شان بخود پروانه وار گرویده ومجلوب ساختند . بعد ازساعت ۳ صبح روزجمعه جمیع مراسم ومکارم جشن مقدس اتفاق ملت باهمهٔ آزادی وفرحت ونشاط ومسرت بپایان رسید فقط ،

(کیفیت ختم شریف درتراویح)

بر کنار غربی کول باصفای خوش آب وهوا خیمه ها وسراپرده های بسیار مزین واعلا برای ذات اعلیحضرت همایون اقدس والا ، وباقی شهزادگان ، واکابر واعیان سلطنت بکمال اعتنا ودقت برپا گردیده بود ، عموم اهل مناصب ملکی وعسکری وعلمای عظام ، وخوانین ذی احترام ، بالباسهای مخصوص شبانهٔ خودشان بایك جمعیت بزرگ رعایای صادقهٔ شاهانه که مخصوصاً بتوسط تکتهای خبریٔ ایشیك آقاسی صاحب ملکی دعوت واخبار گردیده بودند بوقتیکه ازتاریخ ۱۰ رمضان سعادت فیضان بساعت ۶ ونیم عصر حاضر چمن وسعت پیرامن گردیده ، و ازانجا هرکس بطوع ورغبت خود بکنار طراوت بار کول لطیف خوشگوار آمده ومحصول کشتی سواری را که خیلی ارزان ومنفعت آنهم از طرف قرین الشرف اعلیحضرت پدر غمخوار ملت راجع به یتیم خانه است ، ادا کرده بغرض تفریح وتنزه جوق ، جوق در کشتیها وقایقها برای سیر وتماشای عالم آب که عیناً نمونه یکسیاحت بحری را نشان میداد سوار میشدند ، چنانچه تابه ساعت ۷ کشتی سواری دوام میورزید ، بعد عموم نفریٔ مدعوین درچمن صفامأمن برای ادای نماز در نماز گاه مخصوصی که درصحن چمن تهیه واقامه گردیده بود فراهم گشته منتظر رسیدن وقت نماز وشنیدن توپ افطار می نشستند ، درین اثنا بجمیع حاضرین یك شیرینی مختصری که تنها افطار را کفایت کند نیز تقسیم میشد . چون بعد مرور دقیقهٔ چند ازساعت ۷ توپ افطار باعالم عالم فرحت ومسار بایك آواز دلنوازی طنین انداز میگردید هرکس روزهٔ خودرا باز کرده به ادای نماز تهیه وآغاز مینهاد . بعد از فراغ نماز ودعا عموم نفری بدو مجلس بزرگ منقسم میگشت چنانچه اول آن عبارت از مجلس خصوصیٔ حضور همایونی بود ، که دران ارباب مناصب ملکی وعسکری وعلما وخوانین دربار اشتراك داشتند ، وبالای چوکیهای اعلا ومیزهای زیبا درصحن چمن باصفا صورت وتشکیل یافته بود ، ومجلس دوم مقدار مسافتی دورتر ازمجلس اول مجلسی بود که به نفری رعایا تخصیص داشت وباقالینها وفرشهای بسیار نرم ورنگینی تایك مسافهٔ درازی تفریش وتزیین شده بود بساعت ۷ به آوردن وصف دادن میزها ، وگستردن خوانهای بسیار بزرگ پهنا که برهر کدام آنها انواع طعامها ومیوه ها بکمال اعتنا چیده شده بودند ابتدا میشد ، وتاهنگامیکه ازادای نماز یك فراغت عمومی دست میداد ظروف طعام باتمام ترتیب وانتظام درهردو مجلس آماده ومهیا میگشت ، چنانچه پس ازفریضهٔ صلوت هرکس

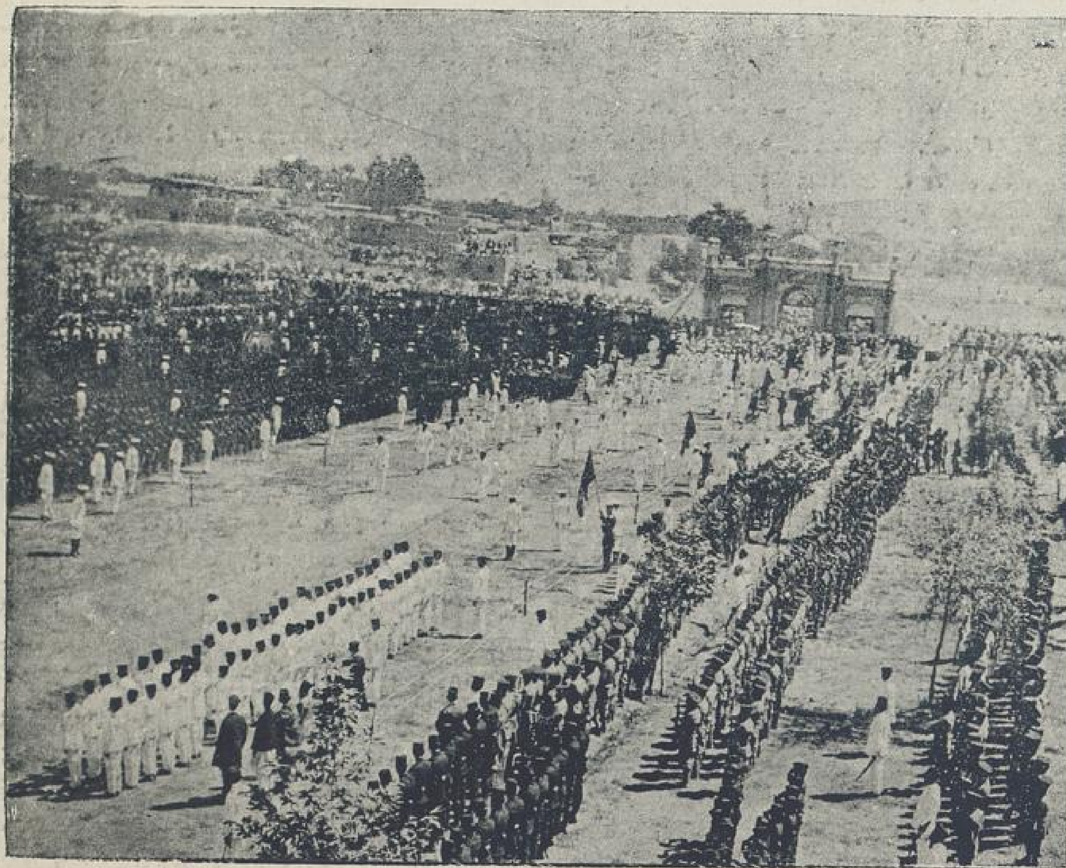
بجای مخصوص ومعین خودمتوجه کشته‌درپیشروی خود بلاسدوبمانعتی خوان نوال بادشاهی را مانند مائدهٔ آسمانی تیار و کسترده دیده بکمال آزادی به‌صرف آن مشغول میشد ، تابه‌ساعت ۸ ونیم ازطعام وجای وهمه لوازم یك فراغ کلی‌حاصل کردیده ، بعد هریك بتهیهٔ وضوونماز برداخته به‌ساعت ۹ پس ازانکه جمیع نفری نماز کذاران درنماز کاه جمع‌وفراهم آمده ترتیب‌وتسویهٔ صفوف انتظام می‌یافت ، توپ کوچکی که درصحن مسجد معالی پایکاه عید کاه نهاده شده‌بود بکمال شدت‌صدا براورده رسیدن وقت نمازرا برهمه کان اخبار واعلان مینمود ، که بنابران ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت بادشاه دیانت اکتناه معظم محبوب القلوب بسیار مقدس مابا همهٔ شهزاد کان عظام وغیره نفری هم رکاب شاهانهٔ شان بسواری موتر ازچمن تانماز کاه تشریف فرمای عزواجلال کردیده بایك شان وشوکت بی‌اندازه ، وبك ذوق ومسرت فوق العادهٔ به‌ادای صلوة قیام وثبات ورزیده میشد وضعیت ادای نماز خیلی پرجوش ، وجالب فکر وهوش یك‌منظرهٔ را تشکیل میداد ، صداهای بلند برتأثیر تکبیر مکبران ، وسکوت عمومی سامعان ، وپرتونثاری ضیاو انوار چراغهای کیس بسیار سفید ودرخشان ، وخوش آوازی وفصاحت‌طرازی جناب‌حافظ جیدخوش الحان ، ومتانت وعظمت الفاظ کلمات حضرت قرآن عظیم الشان‌هریك برقلب وحواس چندان تأثیرات بحد وبیقیاس اجرامینمود که انسان درمقابل قدرت وکبریا ، وجلال وجبروت ذات‌مالك الملك والملکوت ، واله ومبهوت‌می‌کشت . بعدازهرچهار رکعت درانثنای توقفی که درهر ترویحه لازم‌میشد کسانیکه تشنه ویابوضوی تازه‌محتاج میبودند به‌آبدانهای پریخ ، وچاتی های آب‌سرد که بهرطرف نصب شده بودند مراجعت کرده دفع تشنگی وغیره لوازم خود مینمودند ، وهرشب بهمین نهج واصول تابه‌ساعت ۱۱ صلوت تراویح‌دوام میورزید ، تابه‌شب‌هفدهم نوبت ختم شریف کلام حضرت ملك العلام دررسید ، چنانچه بوقت عصر روز شانزدهم اکرکسی بقرارعادت برای کشتی سواری وتماشاجانب چمن متوجه میشد ، برخلاف ایام سابق دفعتاً دروضعیت کناره های کول یك تبدل وانقلاب عظیمی ملاحظه میکرد ، یعنی تقریباً قسم‌کلی خیمه ها وسراپرده هائی را که قبل‌ازین برساحل غربی کول دیده‌بود سراسر ناپیدا ، وبعوض آن بسمت شرقیٔ کول اشکال بعضی درختها وسروهای آتش بازی‌را ایستاده وبرپا می‌یافت . درشب هفدهم بعد ازانکه ازختم‌شریف وتقسیم شیرینیٔ متبرك آن‌فراغ حاصل شده‌به‌ساعت ۱۰ عموم‌نفری حضارختم ، وغیره اهالیٔ شهر شهیر عزیز ما که تقریباً هفت ، هشت هزار نفر میشدند برای تماشای آتش بازی عازم سمت کول کردیده ازیکسر تابدیکر سرساحل آنرا احاطه‌نمودند . وبمجرد یکه ذات اعلیحضرت همایون اشرف‌اعلا بسواری موتر ازمسجدعیدکاه بموقعی که بر کنارغربیٔ کول‌باچوکیها ، آراسته وبرای نفری مجلس خصوصیٔ حضور شاهانه تهیه شده‌بود تشریف فرمای شوکت‌واجلال کشتند به افروختن آتشبازیها ابتدا ورزیده شد . ازهمه اول صدای توپ کلرزهوائی که نوعی از آتشبازی است‌شروع شدن تماشارا بعموم اعلان نمود . هرباری که این کلرزهوائی صدا میکرد تا ۲۰ ، ۳۰ بتر عموداً بطرف سما یك‌خط آتشینی کشیده وباز بریکحد مخصوصی کفیده ازان کلهای آتشین‌سرخ‌وسبز بسیار خوشرنکی مانند ستاره‌ها برزمین میریخت سپس متصلاً به افروختن‌اقسام چرخها ودروازه‌ها ، ودرختها وسروهای آتشبازی که هرکدام ازدرآب ساکن ویموج کول‌منظره های بس لطیف وزیبائی را تشکیل میداد اغازشد . ازیکسو مهتاب نیز که نوبطلوع شروع نموده بود ازعکس ضیای خود که درآب صفا تاب کول انداخت یك‌ستون براق وتابناك سیمینی غرباً ، شرقاً ازیك سرتادیکر سرکول بوجودآورده رونق ولطافت موقع وتماشارا دوبالا ساخت . همدرین اثنا ذات اعلیحضرت همایون والابا همهٔ شهزاد کان‌عالی تبار ، وا کثر نفریٔ معزز دربار برای سیر وتماشای منظرهٔ کول طراوت بار که ازروشنی‌ورنکینی چراغان آتشبازی یك‌جلوهٔ‌خیلی‌عجیب وغریبی‌رابنظر تجسم میداد بقایقها و کشتی های مخصوص خود شان سوار شده دروسط کول راندند . و اتشبازی ، تام تایکساعت کامل دوام ورزیده به‌ساعت ۱۱ بعدازانکه حروف اتشین لوحهٔ «شب شما خوش » درپیش نظر عموم ظاهر کشت تماشای آتشبازی به‌انجام رسید بعد ازاتمام تماشا ذات اعلیحضرت همایونی باهمهٔ شهزاد کان ، ونفری معیت‌رکاب شاهانهٔ شان بسواری عرابهای موتر ازچمن عزیمت‌فرموده وباقی تماشا کنند کان نیز بعودت‌مجبور کشته بدینصورت‌مراسم بااحتشام مقدس ختم‌شریف باکمال عزت واحترام وترتیب وانتظام انجام واختتام پذیرفت !

[محرر اداره . عبد الرحمن]



بنام خدای بسیار رحمت کننده وبسیار مهربان آغاز میکنم ـ
در آغاز هرکار یاد کردن نام‌خدا موجب برکت است ـ الله‌نام آن‌ذات پاك است که موجود بوجود خود است ـ ووجود جملهٔ کائنات وبقای آنها وابسته ودائم بوجود او ـ رحمت لغةً عبارت است از میل نفسانی که‌رأفت روح‌ورقت قلب‌باشد ـ واین کیفیت نفسانی مصدر خیروخوبی میباشد .. پس الرحمن والرحیم هردو دلالت کنند برآن‌عنایت عامهٔ الهی که‌شامل است برجمیع کائنات و ازلطف خاص نامتناهی که‌مخصوص است بهریك‌ازاجناس وانواع‌واشخاص مخلوقات ـ خدا رحمن است یعنی‌لطف کلی اوبهمه ذرات عالم محیط است ـ ورحیم است ـ یعنی‌عنایت خاصهٔ او بهرجنس ونوع وشخص بطورخاص متعلق شده ـ مثلاً صفت رحمانیت اوهمه اجرام علویه واجسام سفلیه وارواح وانفس را بوجود آورده وبنظام محکم همه‌را باهم مرتبط داشته ـ وصفت رحیمیت او هرنوع را بطور مخصوص امتیاز بخشیده ـ مثلا جمادات‌ونباتات وحیوانات وغیرها هریك ظهوری خاص‌دارد ـ ومیتوان کفتن که‌جاذبهٔ کلی که‌بهمه عوالم ساری است مظهر رحمانیت ایزد پاك است ـ وجاذبهٔ خصوصی که مثلاً نظام شمسی مارا برپاداشته است کویا نمونهٔ رحیمیت او است ـ پس رحمت مرادف آن‌قوت مکونه است که‌نظام کائنات ودوام جمعیت اشرف **المخلوقات باو وابسته است .**

ازلحاظ دینی از رحمانیت خدا مراد است بعثت انبیا وانزال کتب برای فلاح نوع بشر بدون تفاوت قبائل واقوام ـ واز رحیمیت اولطف فرمودن بر حال کسانیکه هدایت را قبول کردند وبمحاسن اخلاق ذوات خویش را منور ومزین نموده در تحصیل فضائل گوی سبقت ربودند ـ ذکر رحمت عامه و شفقت خصهٔ باری تعالی هنگام آغاز کردن هر کار بزرك وخورد حسب منطوق حدیث شریف « کل امر ذی بال لم یبدأ ببسم الله فهو ابتر » (هر کار ذی شان که به بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرده نشود از خیر وخوبی عاری میباشد) تلقین این اصل عظیم است که بدون مرحمت باهمی بقای جمعیت انسانی وترقی تمدن وتقدم معارف ومصالح صورت نه بندد ـ در خیر القرون اسلامی همین حسیات رحمت ورأفت بود که وحشیان صحرا گرد جزیرة العرب رادارای بهترین حصه‌های دنیا ساخته مشعل بردار تمدن حقیقی کرده بود ـ ودرین عصر ترقیات هوش ربا هم در بلاد غربیه ازیورپ وامیریکا همین حس مرحمت وشفقت انسانی است که همه افراد ملت رازیور علم وهنر آراسته ترقی تمدن را باوج رفعت رسانده است از جمله مظاهر رحمت انسانی در بلاد غربیه اجرای قوانین صحت در همه طبقات ملت است یعنی بنای راهها وخانها وشهرها وباغها وصفائی آنها حسب قانون صحت ـ وبنای شفاخانها برای خواص وعوام ـ وهمچنین بنای کتب خانها در شهرها وقریه‌ها برای عاریت دادن کتابهای تاریخی واخلاقی



از منظره های عید سعید

انتظار تشریف سعادت ردیف ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی درصحن جامع فیوضات لامع عیدگاه

وغیرها بعوام ـ وبنای خانها برای پیران ویتیمان وبیوه گان و کوران ومعذورین هرقسم ـ واداره آنها بنوعیکه گداگری از ملت کم شده وبنای مدارس فنیه وصناعیه برای تعلیم اولاد فقرا ومساکین ـ خصوصاً حسن ادارهٔ زندانها که حقیقتاً محیر عقول است ـ اولا مجرمین ومحبوسین را درعرابهای بسته ازجائی بجائی میبرند تاحیای فطری از بندیان زائل نشود ثانیاً قاتلین ومرتکبین جنایات کبیره را از مجرمین جرمهای صغیره جداجدا وعلی تفاوت درجات جنایات در زندانهای علیحده می نهند ـ وثالثاً انتظام خورد ونوش وصحت بندیان را از تفتیش نظامی وارباب مطبوعات وبزرگان قوم وعوام خلائق دائماً درحالت خوب دارند ـ ورابعاً واعظان دین وکتابهای محاسن اخلاق ورسائل علمی وروزنامها به بندیان میدهند تا ایشان از صحبت نیك واحوال مساعد از کردهٔ خود پشیمان شده قلب خود را تبدیل نمایند ـ وهنگام اختتام میعاد حبس گوئیا از مادر نوزاده در جمعیت انسانی پاك در آیند ـ برای نوجوانان خطا کار که مرتکب اضاعت زر ازبنکها وغیره هنگام ضعف کم عمری شده باشند اصلاح خانها دارند آنجا چیزی نیست که منافی شرف نفس باشد . برای درستی اخلاق چنین نوعمر بندیان مساعی شدیده بعمل می آرند ـ وخبر اصلاح ایشان هردم



بخدمت بزرکان دولت میرسد – ووقتیکه یقین شد که خطا کار از کار خود نادم‌شده نیك سیرت کردید – اورابجائی نو بمنصب لایق تعیین کننده – وبزترین اصل التائب من الذنب کمن لاذنب له کارفرموده اورامانند مردم معصوم در معاشرت قبول‌میکنند – این معاملهٔ مرحمت وشفقت بااسیران خصوصاً درممالك متحدهٔ امریکانانی ازحسیات ذیل است – نخستین انسان اشرف المخلوقات است ودرافرینش بیگناه پیدا شده – البته صدور جرم ازاسباب خارجیه بوده‌است – شرط عقل است که تبدیل احوال واسباب نموده ومراسم اصلاح بعمل آورده کم کشته رابه راه راست در آرند – وکران مایه جوهر انسانی را بغفلت ضایع نکنند –

«سنکی بچندسال شود لعل پارهٔ :: زنهار تابیك نفسش نشکنی بسنك» – دومین ازجمله فرائض ملت یکی این است که‌در تربیت اخلاق وتهذیب روحانیٔ افراد به‌قدر وسع بکوشد – اکر قصوری دراخلاق افراد راه یابد البته حصهٔ آن قصور بملت هم عائد میشود پس لازم آمد که در باب مجرمین ملت تلافیٔ مافات نموده باصلاح ایشان بکوشد – سومین درهر انسان حس وجدانی موجود است – تازمانیکه انسان قاسی القلب کلیهٔ نشود – امیدصلاح اوباقی است – پس چرا کوشش را دریغ داشته باشند. این امرمو کداسلامی رانصاری امتثال نموده نائل بسعادت دنیوی شده اند ومسلمانان کوئیا این مرحمت وشفقت باهمی رافراموش کرده‌اند !!



کذا

تشریف ذات اعلیحضرت پادشاه دیانت آگاه دولت مستقله افغانستان به مصلا

توبه کردن عاصیان از کناههای خویش ورجوع ایشان بجناب باری تعالی ومحو شدن خطاهای شان هنکام ندامت حقیقی یکی ازرکن اعظم اسلام است که مبنی است بررحمت محض ایزدی – وازینجا است که ذکر کردن رحمانیت ورحیمیت خدا درابتدای هرکار تشویق است بکنناه کاران بتوبه وانابت الی الله – و اصل مقصود ازدین الهی پاك کردن مردم است ازکندکیٔ سیئات وتزئین ایشان باعمال صالحات .. تاهمه‌قبائل بشریه یك عائلهٔ رحمانیه کردند وهمه کرة الارض یك دارالامن رحیمیه شود – حضرت مسیح علیه السلام درانجیل رحمت خداوشفقت اوبرحال توبه کنند کان از کناههای خویش وباز آیندکان بدرکاه الهی ازکمراهی

بیان فرموده داد فصاحت وبلاغت داده است خلاصه اش این است –:

وقتیکه یك کوسفند از کلهٔ صد کوسفند دربیابان کم‌میشود – چوبان همه کلهٔ نودونه‌را کذاشته دربی آن‌یك کم‌شده دربیابان میکردد وبکمال مشقت وجستجو آنرابازیافته بپشت خودبرمیدارد وبخانه بازکشته‌درمیان همسایه‌کان خود شادمانی‌میکنند ومیکوید که من کم‌کشته کوسفند خویش بازیافتم – بیائید وبامن شادمانی کنید یقین بدانید که چون کنهکاری بریشان روزکار ازکردهٔ خود بشیمان شده بسوی برور دکار خویش باز کردد – درمیان کروبیان آسمانی برتوبهٔ آن یك کنهکار زیاده ترشادمانی‌میباشدکه برتقوای نودونه متقیان که احتیاج بتوبه ندارند – —

یا هنگامیکه پیره‌زنی از ده پاره های نقره یك مسکوك نقرئی خویش را در شب گم میکند او چراغ را روشن کرده در همه زوایا و خبایای خانه تلاش میکند ـ و در آخر آنرا باز دریافته باحباب اظهار شادمانی مینماید و میگوید بیائید و با من شادمانی کنید که من پول گم شدهٔ خویش را باز یافتم ـ بیشك چون گمراهی بخدای پاك توبه کند ـ ازد تعالی از باز آمدن او از آن پیره زن شادمان تر شود ـ یا یك صاحب ثروت و دولت دو فرزند داشت ـ کوچکترین ایشان بپدر گفت که حصهٔ مرا از مال و منال بمن بده ـ پدر حق او را باو داد ـ او همه مال خویش را در اندك زمان در عیش و نشاط و نغمه و سرور ـ و شراب و کباب و زنان رقاصه و ندیمان قمارباز باك درباخت ـ و محتاج نان شبینه شده از جائی بجائی پریشان گشته بخانهٔ کسانی پناه گیرشد ـ و نگهبانی گلهٔ خوكها را پیشه گرفت ـ و از پس ماندهٔ خوراك خوكها شکم پر کرد ـ زمانی برین بینوائی و زاری و ذلت و خواری گذشت ـ روزی این خاطر بدل او در آمد ـ که پدر من مالك مال و دولت دنیا است و از خوان نعمت او عالمی برمیخورد ـ و هنوز بثروت او از فراوانی زیانی نمیرسد ـ پس من چرا خود را درین فاقه و بینوائی هلاك کنم ؛ باید که پیش پدر خودم روم و بگویم ـ که ای پدر من نافرمانی تو کردم و عصیان بخدای عزوجل نمودم ـ من سزاوار فرزندیٔ تو نیستم ـ مرا بجای یکی از نوکران خود قبول کن ـ پس او ایستاده شد و بسوی پدر خویش روان گشت هنوز او دور بود که پدر او او را دید و رحمت و شفقت او بجوش آمد ـ دویده او را به بغل گرفت و روی بگردنش نهاد و ببوسید ـ و با وجود اظهار ناقابلیت از پسر پدر او را بحمام فرستاد ـ خلعت نو در برش کرد ـ و خاتمی بانگشت او نهاد ـ و یك فربه گوساله بقدوم فرزند ذبح کرده ضیافتی پرتکلف درست نمود چون پسر بزرك که در کشت زار بود آواز موسیقی و رقص شنید. از خادم پرسید . او جواب داد که برادر تو باز آمده است و پدر تو بشادیٔ قدوم او صحیح و سالم گوسالهٔ فربه را کشته ضیافت درست کرده است. او بخشم در آمد و بخانه در نرفت . پدرش بیرون آمده دلجوئی کرد . پسر بزرك بجواب گفت که من درین سالهای دراز خدمت تو کردم و هیچگاه از فرمان تو سرمو انحراف نورزیدم ـ و تو مرا هیچگاه یك برهٔ کوچك هم ندادی که با دوستان خودم جشن آراسته شادمانی کنم . ولیکن بمجردیکه این پسر تو که مال و دولت ترا در صحبت زنان فاحشه ضائع کرد باز آمد تو برای او گوسالهٔ فربه را ذبح کردی . پدر جواب داد ـ پسر! تو همیشه با من هستی و هرچه که من دارم همه ملك تست ـ اما اکنون سزا است که جشن آراسته کنیم و شادمانی نمائیم . زیرا که این برادر تو مرده بود کنون باز زنده شد ـ و گم شده بود ـ و باز یافته شد ـ

جناب مسیح علیه السلام درین تمثیلات سه حالت تمدن را بیان فرموده است یعنی در ابتدای تشکیل هیئت انسانی که هنوز مردم خانه بدوش باشند . همه مال و دولت ایشان منحصر بمواشی از گوسفند و گاو و شتر میباشد . و وقتیکه مردم بقریه و شهر اقامت کردن عادت گرفتند . وزر و سیم ذریعهٔ تبدیل اشیا گردید ـ لامحاله تعلق قلب بسیم و زر میباشد اما مردم طبقهٔ اعلی که بسیم و زر مائل نیستند ـ محبت ایشان باولاد خود فطری است . درین هرسه صورت مرحمت جبلی و محبت انسانی حسب قانون فطری عادی کاملاً بیان کرده شد گویا هر مثال یك صنف رحمت انسانی را مظهری واقع شده است ـ و مقصود عیسی علیه السلام این است که مرحمت و شفقت ایزدی خود در طلب گم گشتگان میرود .

و هنگامیکه گمرهان براه راست می در آیند شادمانی ملاء اعلی از شادمانی انسانی زیاده تر میباشد . اما جناب سید لولاك صلی الله علیه و سلم تمثیلی بیان فرموده است که شادمانی باری تعالی بر از یافتن گم گشته از شادمانی انسانی فوق العاده هم زیاده تر میباشد مفهوم تمثیل حضرت رسول کریم علیه السلام چنین است ـ : مسافری در بیابان بی آب و ریگستان دور و دراز همه اسباب خوردنی و نوشیدنی را بشتر خود بار کرده قطع مسافت مینمود ـ وقت نیمروز تاب شدت آفتاب نیاورده در سایهٔ سنگ بزرك که از حسن اتفاق در قاب صحرا نمودار گشت برای استراحت فرود آمد و سنگی را بالین ساخته بر زمین پای خویش دراز کشید ـ از ماندگی زود خوابش برد ـ اما مهار شتر را بدست خود استوار گرفته بود قدری از زمان در خواب نوشین گذشت . وقتیکه بیدار شد ، دید که اشترش رفته است . در حالت پریشانی بجستجوی او هر سو دوید ـ اما هیچ نشانی نیافت ـ عاقبة الامر خسته تن و سراسیمه خاطر بجای خواب خود باز آمد و دل بر هلاك نهاده همانجا باز بخواب رفت . پس از زمانی باز بیدار شد چون چشم گشاد . دید که اشترش بسوی او دوان می آید از ملاحظهٔ این امر عجیب و غریب چنان شاد و خرم شد که از فرط سرور دمی از خود دور گشت و دران حالت بیهوشی زبان به ثنا و صفت باری تعالی گشاد و گفتن گرفت ـ

. الهی أنت عبدی و انا ربك ـ (ای خدای من تو بندهٔ من هستی و من پروردگار تو هستم) و در حالت محویت این کلمات را بار بار بزبان میراند و گمان می کند که او از خلوص دل بربوبیت خدای پاك اقرار مینماید جناب سرور کائنات علیه الف تحیات میفرماید که هرگاه گناهکاری از راه دور افتاده تائب شده بدرگاه ایزد تعالی باز پس می آید شادمانی ، خدای پاك بر باز آمدن آن بندهٔ گم گشته زیاده تر از آن است که آن مسافر بیابانی بر باز یافتن شتر گم گشتهٔ خود کرده بود و از فرط شادمانی بجای الهی انت ربی و انا عبدك ـ او قضیه را برعکس کرده ـ الهی انت عبدی و انا ربك گفته بود ؛

از جمله صفات رحمت را بر گزیدن ـ و صیغهٔ عام یعنی رحمن را مقدم و صیغهٔ خاص یعنی رحیم را موخر داشتن و این هر دو صفت رحمت را با اسم ذات متضم کرده بار بار زبان زد هر مسلمان گردانیدن اشارت است باین امر جلیل که بعثت محمدی بالخصوص مظهر «ان رحمتی غلبت غضبی» واقع شده است ـ و تخلق باخلاق الله شیوهٔ اسلامی است . برای تتبع برحمانیت ایزد ذوالجلال این فرمان وارد شده است . «الراحمون یرحمهم الرحمن تبارك و تعالی» ـ «ارحموا من فی الارض یرحمکم من فی السماء» (کسانیکه رحم میکنند . برایشان رحمن تبارك و تعالی رحم میکند ـ رحم بکنید بر آنانکه بر زمین اند . آنکه در آسمان است برشما رحم خواهد کرد) ـ این رحمت رحمانی عام است بهمه افراد نوع بشر خصوصیت باسلام ندارد . حتی که شامل است بذی روح حیات هم ـ چنانکه فرموده است ـ «فی کل ذی کبد رطبة اجر» (نیکوئی با هران جانور که جگر تر دارد کردن موجب اجر است) و ظهور صفت رحیمیت در مسلمانان چنان بوقوع پیوسته ـ «اشداء علی الکفار رحماء بینهم» ـ باهم شفیق و مهربان اخوان صفت اطوارشان .:. در رزم چون شیر ژیان در بزم زیب انجمن ـ

خدای پاك محض ازمرحمت وشفقت خود نبی الرحمةرامبعوث فرمود— وحسب وعدهٔ پاك خود که در تورات وزبور وفرقان کرده بود امت مرحومهٔ محمدیه‌را وارث بهترین حصهٔ کرة الارض هم کرد اماصدحیف که مسلمانان درایام عظمت وشوکت خود زود نه‌تنها پیروی بر حمایت ایزد منان‌را فراموش نمودند — بلکه درخانه جنکی مبتلا شده‌وبوصیت حکمت‌بنیاد «سباب‌المومن‌فسوق وقتاله کفر»(دشنام دادن مرمومن‌را کناهی است بزرك وجنك کردن بااو کفر است)، هیچ ملتفت‌نشده عالم سلامی را که ازفیضان چندصد ساله تمدن وتنور نمونهٔ فردوس برین برروی‌زمین بود ماتم کده‌ساختند وعقول عالیه‌را که ثمرهٔ طیبهٔ آبیاری باغبان شریعت غرابودند به‌بیر حمی نیست و نابود نموده حثالةالناس را بدارائی ممالك واسعه کذاشتند چون رحیمیت نیز ازایشان زائل شده شیرازهٔ جمعیت اسلامیه ازهم کسیخت . اقوام‌نصرانیه که در قرون‌اخیر مرحمت وشفقت‌انسانی‌را درمیان قبائل‌خودشان دستورالعمل معاشرت ساخته بودند . ممالك اسلامیه‌را بیغما کرفتند — تادرزمان‌ما ذلت‌اسلام بغایت‌رسید — ونزدیك بود که بادصرصر حملهٔ اعدا چراغ کورستان اسلامی راهم‌خاموش کند — رحمت ایزدی بجوش آمد — وقومی‌را که همه عالم برکش‌فتوی داده‌بود اززاویهٔ خمول بمنصهٔ ظهورآورد . ومانند اسلامیان قرون اولی بصفات عالیه از ایمان خالص وقلب صافی وهمت قوی وارادهٔ راسخ وفدا کاری جان‌ومال‌بردین وملت ومرحمت وشفقت برعالمیان متحلی‌ساخته ایشان‌را ازهمه عالم برای دستکیری‌اسلام کزید — درحق ایشان این آیت کریمه صادق شد فسوف‌یاتی‌الله بقوم یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین واعزة علی الکافرین (عنقریب خدا قومی رابیارد که اوایشانرا دوست دارد وایشان‌اورا دوست دارند— ایشان‌بمومنین بتواضع‌ومرحمت‌پیش می‌آیندوبدشمنان‌دین ودولت‌شدت وشرف نفس مینمایند هرمسلمانی و از هر کجا که امروز بقسطنطنیه برود — در قوم و دولت ترك که سینه را از شش صد سال باینطرف بمقابلهٔ مهاجمات نصارا سپر کرده مردانه در حفظ شرف اسلام جان ومال‌را فدا میکنند یك نمونهٔ اخوت اسلامیٔ حقیقی خواهد دید — وقتیکه ایشان بر مردم فتنه وفساد وبغض وعناد دست یافتند . ازروی مرحمت وشفقت هم جنایت پیشه بد کاران را که در مدت سی و سه سال یك عالمی‌را زیر وزبر کرده بودند عفی‌الله عما سلف — کفته فرصتی برای اصلاح‌اخلاق وتهذیب نفوس دادند . برای احیای ملت ابواب علوم وفنون حقیقی بروی هرکه و مه کشادند . نظام مالی‌را ازغبن وخیانت پاك نمودند . و درتهیهٔ قوت عسکری‌حسب تازه‌ترین اصول هیچ‌دقیقه ازدقائق فرونکذاشتند . اعمال‌ایشان ازاقوال دیکران‌ناطق‌تراست‌ونیزقوم ودولت‌افغانستان که‌دولت‌مستقلهٔ‌اسلامیه‌است امیدکاه مسلمانان است . از جوانمردیٔ این‌ملت اسلام درآینده بسیار امیدها دارد . فیارحمن‌ویارحیم . کثرامثالهم‌ووفقهم بالظفرالمبین‌وبارك فی اعمالهم . واجمع‌شمل‌المسلمین بهم واصلح بالهم — فانت‌مجیب‌الداعین وانت ارحم الراحمین

کابل، ششم رمضان‌المبارك ۱۳۳٤ هجری

محمد برکت‌الله

(سیاحت)

« سرمه از فیض سفرمابه بینش کردید »

« صیقل تیرکی بخت جلای وطن است »

برسیر کنان صحایف‌لطایف مطبوعات‌جدیده ، وتماشابینان صفحات آثار غریبهٔ قدیمه پوشیده نیست ، که درزمرهٔ‌اسباب وعلل ترقی‌وتعالی دول وملل مختلفه سیاحت یك‌موقع بس مهمی را حایز است .

« سیاحت » ازادقوة‌بصری ، افراط‌معلومات‌نظری ، موجب‌حصول مسرت وتحصیل فرحت ، منشافکر وغیرت است وماخذپند وعبرت . استفاده‌ازنعم خداوندی کار باخردان‌است‌وبیهوده کذاشتن مخلوقات آن مبدع حکیم ، پیشه جاهلان وتنبلان ویکنوع کفران .

دایرهٔ بصارت را وسعت دادن ، ودایما افق‌های جدید پیدا کردن آب‌های مختلف مزه‌چشیدن ، وهواهای متنوعه‌تنفس کردن، برکوه‌ها دریاها ، وادیهای غیر مؤتلفه کذر کردن ، زمین های مغایر یکدیکر دیدن ، تبدلات کونا کون ، ازقبیل قلت وکثرت ، وشکل وصورت مزه وخاصیت محصولات‌زمینی ، معاینه‌کردن‌وتغیرات کثیره‌دراحوالات اقوام غیر موافق مشاهده نمودن ، خواهش فطری واحتیاج طبیعی انسانی است .

آیا دقت فرموده‌اید ! که فرق‌ظاهری وتمیز اولین درجما دونبات باحیوان همین حرکت است وبس . پس هرقدر دایرهٔ کشتن وسیاحت کردنرا توسیع وتمدید دهید زیاده‌تر ازجماد ونبات خود را دورتر کرده خواهید بود .

بازهم اکر سیاحت‌خودرا فقط‌بقطع کردن مسافه‌های بعیده حصر سازید ، درشما ویك مرغ تیزپر ، درشما ویك‌ریل بادپر ، درشما‌ویك ریح عاصف صرصر هیچ‌فرقی نخواهد بود . نی‌نی ! بلکه هرکدام آنها نسبت بتو سریعتر وتو ازانها پست‌تری .

پس لازم است که درسیاحت‌ها بادیدهٔ بازحکمت وبصیرت ، وسمع کوش برآواز غیرت وعبرت راه روید ، بجای آنکه افکار تانرا تنها درمعاینه بوقلمونی مناظر طبیعیه صرف نمائید ، براحوالات مختلفهٔ اقوام غیر موتلفه خوض وامعان کنید ، اوضاع واطوار آنهارا دیده باحال ترقی ، وتنزل شان تطبیق داده عبرت بکیرید

این‌کونه سیاحت‌ها الزم ومفیدترین سیاحت‌ها است ، موجب ترقی باعث اصلاح ، سبب فلاح است .

به‌بینید ! که دین مبین اسلام اینکونه سیاحت را بر پیروان خود ایضاح وقرآن عظیم‌الشان‌درجاهای متعدد، سیرفی‌الارض را امر کرده است . نعوذ

« فسیروا فی‌الارض فانظروا کیف کان‌عاقبة الظالمین »

عبرت ازاحوال اقوام عالم وظیفه دینی مسلمانان است ولی هزار افسوس که مامسلمانان بطرف آن خیلی کم توجه کرده‌ایم

جغرافیا وتاریخ که لب‌لباب سیاحت‌های عجیب‌وغریب عتیق‌وجدید است ، انسانرا درخانه ازاحوالات عالم‌واوضاع واطوار بنی‌آدم اخبار می‌کند ، فایدهٔ سیاحت که عبرت است ازان کاملتر بدست می‌آید ولی

ما مسلمانها آنها را علوم فرنگستان گفته خود را ازتشبه بایشان نگاه میداریم ، ودرمعانی و کنایات قرآن مجید دقت کردنرا گناه میشماریم ، ! ...

تا سررشته کلام ازدست نرود مجملاً از توجهات مسلمانان سلف به این امر مفید جلیل یعنی سیاحت کمی بحث رانده یکانکی این عنوان را ازخاطرهای قارئین کرام دور کرده بتعارف آشنای دیرینه شان کوشش ورزیم

§

دین مقدس اسلام مقصد یگانهٔ که دارد اشاعت توحید واعلای کلمة الله است ، دین مبین هذا برخلاف ادیان دیگر تنها برای یك قوم یایك قبیله شرف نزول نفرموده بلکه برای اصلاح کل بنی بشر اززمان نزول تا یوم القیام ارسال شده است ، پس برای اعلای کلمة الله وانتشار توحید درتمام دنیا سیاحت های گوناگون وگشتن ها دربر ، سفرها در بحر ، بصورت امن وحرب ، صلح وجنك لازم ولابد است .

قرآن عظیم الشان درجاهای مختلف (چنانکه ذکر شد) به سیاحت ها وسیرها درارض امرها نموده است و ازان عبرت گرفتن فرموده است ولی وا اسفا ! که بجای ما فرنگیان بایغمانی پی برده ارض هارا حفر نموده دران سیاحت کردند و آثار عتیقه ومدنیت های گذشته را نشان یافتند وما اگر ازخانه تا بمسجد خودرا پرتاب کرده توانستیم ، خودرا متقی وصوفی وعارف می شناسیم وبهمین اکتفا کرده آنرا وافی میدانیم

چه خوش بودی ! اگر ما این نکات را غور وخوض کرده مدنیت های محیرالعقول گذشته را تحقیق وتقدیر کرده وسبب محوو بربادی آنرا که تکذیب دین ونبی الهی است دانسته ، برعبادت خلاق عالم ثبات ودوام نموده ، فایدهٔ مضمرهٔ آنرا که فرنگیان امروزه گرفته نتوانسته اند ، ما می گرفتیم ، وآنهم نیست جز « عبرت » که نتیجه آن ، « راحت و فرحت » است .

حضرت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده اند اطلبوا العلم ولو بالصین ولی ما آنرا دقت نکردیم ونمیکنیم که اینهمه رفتن تا به « صین » یعنی دور ترین نقاط ازمکه مکرمه یامدینهٔ منوره ، درآسیا ، برای چیست؟

اگر یك کمی درتاریخ نوربار حیات پربرکات حضرت سیدالبشر بنظر امعان به بینیم ، خواهیم یافت که تاپابند وطن بوده حرکتی نکردند ، گونه گونه آزارها ، نوع نوع مانعها برای اشاعه اسلام یافتند

هرکه پابند وطن شدمی کشد آزارها
پای گل اندرچمن دایم پرست ازخارها

تاآنکه دران اوقات سورهٔ یوسف شرف نزول ارزانی فرموده از هجرت ودوری رو ازوطن وبر سریر مراد جا گرفتن ذکر نموده کنایهٔ هجرت موجود بود واشارت رفتن صریح وهمچنان هم شد بمجردیکه ازقید نشستن رهیده بیابانهای سفررا قطع کردند ، روزبروز مواقع ومشکلات دفع وسنك خار دشمنان دفع گردید ورفته رفته نایل مراد شدند .

در وطن گرمی شدی هرکس با سانی عزیز
کی ز آغوش پدر یوسف بزندان آمدی

یکی ازفضایل بی شمار حضرت صدیق رضی الله تعالی عنه که درقرآن مذکورست ذکر مصاحبت سفر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم است ، ثانی اثنین اذ هما فی الغار .

خلاصه مسلمانانرا این تعلیمات قرآنی ، وتصریحات حضرت نبوی بطرف دیدن ممالك ، ودوار هانیدن شانرا ازمسالك پرمهالك ظلم وکفر متوجه ساخته بهمت مسلمانانهٔ خود ازاندلس تاچین یعنی ازشرق تاغرب دویده دویده علم توحید واسلامرا فرازترهمه خلانیدند .

ایشیا ، یوروپ افریقا همه را یعنی همه دنیارا سیر وسیاحت وزیر علم اصلاح دانسته اوردند .

راه های منتظم ساختند ، شهر های مزین اباد کردند ، نه تنها برهای اعظم را سیر وتفرج کردند بلکه بحرهای کبیره را دور وگذار نمودند .

ابن خلدون می گوید که افواج بحری بنی امیه اعلاترین افواج دنیا بود ، ودران زمان کتاب های بسیاری در فن تجارت تالیف وتصنیف شد .

قوه بحری مسلمانها بیعدیل ولاثانی بود فتح جزیرهٔ سیلی درزمان مأمون ومعتصم ازطرف مسلمانان اندلس دلیل قوی قوهٔ بحریه مسلمان است ولفظ (ادمایرل) که درزبان های یوروپی بمعنی رئیس بحریه است ازلفظ (امیر البحر) گرفته شد است .

درعهد بنی عباس سفرهای بحری وپیمایش های بحری اجرا شده است ، نقطهٔ مشهور آن بصره است .

مسلمانها در جهاز رانی خود (قطب نما) را استعمال کرده اند ازبصره ، تاهند چین ، افریقا تجارت های بزرگ جاری بود وتجارت شان که ازان دلیلی بزرگتر به سیاحت جستن تعجب آوراست باروس واسویدن نیز جاری بود . به ایطالی وفرانس وسسلی چه جای بیان است .

احیا واکمال جغرافیه راهم مسلمانان کرده اند درآخر عصر نهم عیسوی بکمال شوق وذوق جغرافیه می خواندند وکتاب ها دران می نوشتند که این همه دلایل جهان گردی ایشان است .

مسلم بن حمیر ، البرونی ، یاقوت ، وغیره جغرافیون با کمال بودند البرونی بامحمود غزنوی درهندوستان سیاحت کرده در ۱۰۳۸ ع وفات یافت .

ناصر خسرو که در ۱۰٦٤ تولد شده سیاحت ها کرده وباز نوشته است ، بلاوزی همدانی مورخ درآخر عصر سوم وآغاز عصر چارم هجرت جغرافیه وتاریخ . یمن وجنوب عرب تحریر کرد . کتاب های بسیاری دراسلام درخصوص فواید سفر تحریر شده است .

در مسلمانها سیاح های بسیاری گذشته است که باوجود نه بودن ریل حتی یك یکی هم این همه قطعات را طی کرده اند مانند ابن بطوطه ابن جبیر ، ابن سعید المغربی وغیره وغیره که همه سیاحت نامه های خود را تحریر کرده اند .

ابن سعید المغربی البغدادی که در ٦٨٥ هجری درتونس فوت شده دراثر بنام (فضاء الارض) وو صف الکون دارد که نخستین آن درکتب خانه سینت پتروگراد ویك نسخه آن درکتاب خانهٔ اکفورد ویك نسخه اثر دوم آن نیز در اکفورد موجود است . این اثرها درباب جغرافیه بوده است .

از کسانیکه مانام آنرا میدانیم حضرت شیخ سعدی است علیه الرحمه که این دو بیت درباب سیاحت از ایشان است .

تا بدکان وخانه در کروی
هرکز ای خام آدمی نشوی
رو اندر جهان تفرج کن
پیش ازانروز کز جهان بروی

وذات خـود شان هم سیاحت های بزرکی درهند وفارس وشام اجرا کرده ولی بجای آنکه سیاحت نامه خود را بنویسند ماحصل سیاحت وعبرت های سفر خودرا که بوستان وکلستان است نوشته‌اند که این دو کتاب اخلاق درفارسی نادر ونایاب است وامروز بواسطهٔ همین دو کتاب شیخ مذکور مشهور عالم ور زبان هر کلان و کم است حتی کتاب های شان در زبانهای مختلف اوروپا ترجمه وشایع وتحسین وتقدیر شده اند .

بلند نام نکردد کسی که در وطن است
زنقش ساده بود تا عقیق در یمن است

§

تمام مورخین اتفاق دارند که درزمانهٔ که علم وفن آشیان خودرا درمسلمانان ودر اندلس ، کرفته بود بصدها عیسائی ها ازملک های خود سیاحت کرده بآنجاها آمده تعلیم کرفتند وبعد از اکمال تعلیم به جاها ووطن های خود رفته اشاعت تعلیم می کردند ، ونیز جنك های صلیبی که قریب دوصد سال درمسلمانان وعیسائیان جاری بود ، وافواج های عیسائی به لك‌ها نفر آمده جنك کرده شکست خورده پس بمملك های خود میرفتند . عادات و اوضاع وشان عرب ها درایشان تاثیرات نمایان کرده بودند وهمین سیاحت ها ایشان را هشیار وبیدار ساخته اقتدار پوپهارا ازسر خود پس کرده باین ترقی های نمایان رسیدند که امروز همهٔ ممالك اسلامیرا بلع وقرت کردن میخواهند .

برادران ! برای اثبات فواید سیاحت بجاهای نهایت دورو دراز سفر کرده عصر های بسیار قبل رایاد آوری کردیم ولی اکر اینقدر دور نرفته در خود چشم می کشادیم هم همین مدعارا اثبات کرده میتوانستیم .

دقت کنید وطن عزیزما افغانستان یك صحیفه انقلابات جهان ونمونه تبدلات احوال زمان است ، کاهی دولت معظم آسیا بوده و کاهی پامال اغیار پرجفا

اما پس ازان که از اختلافات مابینی ونزاع خانه کی خلاصی یافته برخلاف سابق روبترقی نهاده است ، واز روزی که دست تربیت اعلیحضرت خلد آشیان امیرعبدالرحمن خان مرحوم یافته آناً فاناً روبترقی کذارده است تابحال امروزه رسیده است .

پیش ازعصر (اعلیحضرت ضیاالملة والدین مرحوم) نه‌نام ترقی ونه‌نشان تمدن بود نه‌ازنظام وانتظام خبری‌نه ازمعارف وصنایع اثری موجود بود وچون کاربدست اعلیحضرت مرحوم مغفور مبرور رسید ، سررشته های کونا کون وانتظامات معقول درهرباب مهیا کرده دولت‌را آبی بررو آورد ، وامروز بیشتر وزیاده‌تر ازان ظاهر وترفع آشکار است .

اینهمه برکت‌های سیاحت است ! سیاحت ! ...

یکروزی اعلیحضرت خلد آرامکاه مغفور ازدست مصائب زمانه

ماازموده‌ایم درین شهر بخت خویش
باید برون کشید ازین ورطه رخت خویش

کفته ، بیك طرفی رفت ، ودر ایام سیاحت خود چیزهائی بسیاری دیدند ، وشنیدند ، وازان عبرت کرفته ، روزی که پس بوطن خود مراجعت کردند ، وطن‌را ازحضیض ذلت برداشته باوج رفعت رسانیده ترك دغدغه حیات نمودند .

پس ازایشان ذات شوکت سمات اعلیحضرت متبوع مقدس ما (سراج الملة والدین) جلوه ارای سریر سلطنت شده ، چون از فواید سیاحت باخبر تربودند ملك خودرا وملك متعلق وهمسایهٔ ملك خودرا دیدن خواسته بهندوستان تشریف بردند، ودرانجا سیاحت خودرا بقسمی که مفید بود یعنی بچشم عبرت واخذ حکمت دیده پس تشریف اوردند ، واساس ترقی‌را که اعلیحضرت مغفور مرحوم حضرت ضیاالملة والدین کذاشته بود به بلند کردن کوشش ورزیدند پلهای اهنین شرین فابریکها پشمینه‌بافی وغیره همه‌از نتیجه‌همان سیاحت پادشاه بیدار ما بوطن آمدو چون ازفواید عبرت باخبر بودند نفری‌را که غریب الوطن بودند طلبیده بعزت وحرمت داشت وازان‌ها درراه وطن عزیز مقدس خدمت های بزرکی کرفته‌شده، که بهترین ومفیدترین آن وجود مسعود جناب مستطاب مدیر محرر صاحب سراج الاخبار افغانیه است که چون دایرهٔ سیاحت شان وسیع تروخط حرکت شان درازتر بود در خدمات وطن عزیز مقدس خود ازراه قلم بیشتر فایده رسانده توانستند . که همیشه ملت مرهون احسان وتحسین وتقدیر کننده خدمات شان است .

از احوالات سیاحت اعلیحضرت امیرمرحوم نوشتن تحصیل حاصل است زیرا کتاب تاج التواریخ فارسی را البته هر کس دیده و خوانده می تواند ، و سیاحت های مدیر صاحب هم البته خریده‌ومطالعه‌میشود .

اما یك کتاب یایك اثری ازسیاحت ذات والاصفات پادشاه ترقیخواه معدلت کستر ما درفارسی موجود نیست تااهالی وطن عزیز ماطرز سیاحت وسلیقهٔ جهان کشتی که بادیدهٔ باز عبرت می باشد ، به بینند . لهذا ما بعضی فقرات وجمله های سیاحت شانرا ازیك کتاب اردو که (سیاحت حبیب) نام دارد جمع و ترجمه کرده هدیه قارئین کرام خود می کنیم، وایشانرا هم برین کونه سیاحت های پر استفاده تشویق وترغیب می نمائیم

می برد ره بکمال آدم خاکی زسفر
میشود کاسهٔ کل ، ساخته از کردیدن

حال سیاحت هند ذات شوکت سمات اعلیحضرت همایونی از طرف اکثر اخبارات هند واسطهٔ نامه نکار ها اشاعت یافته ولی کتاب سیاحت حبیب اکثر دیدنی‌های خود مولف ویاشنیدنی بسیار محقق است که جمع کرده ، ما ازان فقط بسیار مجمل همان فقرات و نکات راجمع وترجمه می کنیم که مطلب اصلی سیاحت (یعنی ازدیاد معلومات) ازان ظاهر شود .

دروقتی که‌از طرف دولت انکلیز برای سفر اعلیحضرت همایونی بهندرجا شده ، اعلیحضرت همایونی در جواب (برای رفع شبهه های انکلیزها که در وقت موجود بود ، وافغانستانرا دوست صمیمی خودمی شمردند) فرمودند که :



کفراست درطریقت ما کینه داشتن آئین ما است سینه چو آئینه داشتن

وتهیه سفر نمودند . درین جاهم به جواب امراواعیان فرمودند که مقصد از رفتن تحصیل معلومات است ودیدن اختراعات وایجادات جدیده واوردن انها دروطن خود وبس

چنانچه جاهائی که اعلیحضرت همایونی درسفر خیریت اثر خود برای تماشا رفته اند ، ملاحظهٔ افواج بود ، یامعاینهٔ کارخانها یادیدن مکاتب ومدارس وبعضی مزارات مشهور بوده است ، ترقی صنایع آب وتاب معارف انتظام عساکر تعمیرات ، قلعه هاهمه از ونتائج همان دیدنی ها بود که بعد از تشریف شان بوطن بسر کارامدن وهنوز چها وچها خواهد بود که نتیجه انهامقید وقت است ونوبت اجرای شان نرسیده .

زیرا اعلیحضرت تماشای بندرگاهها وبحرها ، ریل هاوجهازها هم نموده‌اند ، البته هرچیز را به امعان وتدقیق دیده اند ! ...

اعلیحضرت همایونی بارعایای هند ، هندو ، مسلمان شیعه ، سنی یک وتیره مرحمتها وملاطفت های شاهانه کرده اند ، دلهای همه‌را بخوبی بدست آورده اند ، یك بیان اعلیحضرت را که جایکی از علمای شیعی فداحسین صاحب معلم دینیات مدرسة العلوم علیگده کرده اند زیر عنوان سیاست پروری شان ترجمه می کنیم :—

اعلیحضرت همایونی بامعلم صاحب مذکور پس ازتعارف فرمود ، هرچندن مردم مراسنی متعصب می گویند مگر شما خبر خواهید بود که مسلمانان دهلی بنابرآمدن من دروقت عیداضحی قربانی گاورا پیش ازپیش



کذا

عودت شاهانه ازنمازگاه

کردن خواستند ولی من بکمال شدت نه پسندیدم ، زیرا درین واقعه هندوها دل آزرده می شدند وقربانی هم به گوسفند ، بز وغیره ادامیشود ،

مباش درپی آزار وهرچه خواهی کن
که درطریقت ماغیر ازین گناهی نیست

پس آیا شما گمان می کنید که شیعه‌ها را من ازهندو هاهم بتر می بینم نی نی ! دررعایای من ، شیعه ، هندو ، آتش پرست ، یهود هرگونه مردم هستند من همه آنهارا بیك نظر می بینم وصلاح وفلاح همه‌را زیر یك قانون مساوات اجرا میکنم .

غیرازان اعلیحضرت درهر مکتب بزرك ومدرسهٔ نامی رفته امداد های درمی کرده‌اند ، ودرهر مزار ومرقد بمتولیان حسب مراتبهم اعانه کرده‌اند ، درهرمکتب وهرجالفظ ومضمون این بیت رانکرار فرموده‌اند

ماجوبر کاربم یکبار بشریعت مستقیم
پای دیگر سیرهفتاد و دوملت می کنیم

وبعضاً بنفس نفیس همایونی امتحان دینیات گرفته اند ورأی خودرا ظاهر داشته اند . وسنك بنیاد کالج حمایت اسلام لاهور را بدست خود نصب نموده اند .

تماشای کار کاها و نمایشات مفیده‌مانند ماتورهها کرده‌اند ولی کارهای بیفایده را نه‌تنها پشت کوش بلکه صریح منع فرموده اند . چنانچه قصید های بی‌شماری که مردم ساخته بودند همه‌را طرد نمودند ، این سیاحت شان از ۲ ماه جنوری سنه ۱۹۰۷ آغاز شده بعداز ۲۶روز به ۷ مارج ۱۹۰۷ مطابق ۱۳۲۵ هجری اختتام یافته ، باخیالات نو ، معلومات نو ، ارادهای نو وارد جلال آباد شدند .وان معلومات وخیالات ترقی‌های حالائی وترقی های آینده مارا دربر دارد .

اینقدر معلومات درباب فواید « سیاحت » قارئین کرام خوددراداده عفو تصدیع میخواهم . (محرر اداره : عبدالهادی)

« نقل استفتاء وافتای محکمهٔ شرعیه »

چون جناب عزت وفطانت نشان کرامی خیرخواه‌وخدمتکار دولت سعادت بنیان‌اسلامی محمودبیك‌خان طرزی مدیروسرمحرر سراج‌الاخبار افغانی‌یك مکتوب‌وصورت استفتای ارسالی سیدعنایت رسول ناصری زبلدهٔ بانس‌بریلی هندوستان را درمحکمهٔ شرعیهٔ دار السلطنه فرستاده طلب فتوی شد لهذا مکتوب و استفتای اورا نقل نموده در نخش بطریق افتاجواب نوشته‌شد

نقل مکتوب

بعالیجناب قدوة السالکین زبدة العارفین جناب ادیتر صاحب مدت فیوضهم – السلام علیکم ورحمةالله وبرکاته – احوال اینست که درین ملك آذان ثانیهٔ‌جمعه قریب منبر ازقدیم جاری بود لیکن ازچند عرصه عالم فاضل شهرما جناب مولانامولوی الحاج مفتی احمد رضاخان صاحب نسبت این اذان ثانیهٔ جمعه تحریر فرموده است که این اذان ثانیهٔ جمعه بیرون جوف مسجد روبروی امام بفاصله بایدشد اندرون مسجداذان گفتن مکروه و خلاف ادب دربار آلهی‌است پابندی رواج درمسئله نباید شد هرآنچه حضور اکرم سرور عالم صلی‌الله علیه وسلم باخلفای راشدین حضور رضوان الله تعالی عنهم عمل فرموده است پابندیش لازمیست بلکه این هم تحریر فرموده است که شخصیکه این سنت را زنده خواهد کرد اورا ثواب‌یکصد شهید خواهدشد الغرض دراثبات وی این حدیث پیش کرده است (عن السائب‌بن یزیدرضی‌الله تعالی‌عنه قال کان یوذن بین یدی رسول الله صلی‌الله تعـالی علیه و سلم اذاجلس علی‌المنبر یوم الجمعة علی‌باب المسجد وابی بکررضی‌الله عنه وعمررضی‌الله عنه) علاوه ازان دیکر چند ثبوت بین پیش کرده اندبلکه یك‌رساله هم تحریر فرموده است که بغایت مستند وثبوت کافی معلوم میشود الا درنجاونیز دیکر مقامات علمای وهابیه اعتراضات کرده اندازنسبب



اعلان

سراج التواریخ

برهمه آرزو کشان علم وعرفان ممالك‌خارجه اعلان میشودکه کتاب مستطاب(سراج التواریخ)ـ که کیفیت آن دراعلان کالم آخرین اخبار مامندرج است :

درشهر پشاور بمعرفت‌عالیجاه میرزا غلام‌حیدرخان سررشته‌دار داکخانهٔ دولت علیهٔ‌مستقلهٔ افغانستان بقیمتهای‌متعین آن بفروش میرسد . خواهشمندان خریداری‌ومطالعهٔ آن‌در هندوستان ، وسایر ممالك خارجه به سررشته دار مومی الیه مراجعت کرده دستیاب میشوند .

قیمتهای کتاب نمبر وار در کالم اخری اخبار مندرج است برهر کتاب مبلغ‌یك‌روپیه ویك‌عباسی کابلی مخارج ارسالیهٔ کتاب از کابل الی پشاور ضم وعلاوه کردیده‌است . خریدارانی‌که‌ازدیکراطراف ازپشاور طلب کنند ، قیمت اجرت پارسل داك انکریزی البته بذمهٔ خود شان میباشد .



درعوام‌الناس شورش پیداشده است وبیشتر قیدرواج را برخودملحوظ میدارند وهم برین نمط علمای وهابیه میکویند که اذان ثانیهٔ جمعه قریب منبر روبری امام باید شد چرا که از سنت در جمیع امصارا اسلام همچنین جاریست روبروی حضورکاهی اذان بیرون مسجد نشده ونه درعهد خلفاء واین حدیث را ضعیف میکویند واسنادش را باور نمیکنند — مناسب دانسته یك استفتا در قسطنطنیه بخدمت جناب شیخ الاسلام صاحب ارسال کرده شده بود والابسبب آغاز جنك وبند شدن داك جواب نیامد اکنون دوباره از حضور رجوع کرده شده است که حضور ضرور بالضرور خود در دار الافتاء اعلیحضرت امیر صاحب داخل فرموده ومواهیر جمیع علما ومفتیان کابل بر استفتا ثبت کنانیده بسبیل داك بسیار جلدتر هرقدر که عجلت دارد ممکن باشد ومیتواند بنام‌راقم حسب نشان و سراغ مندرجهٔ ذیل ارسال فرمایند تا که اورا درمطبع طبع نموده شایع کنانیده شود وباعث رفع نزاع واختلاف باهمی باشد استفتا ملفوف عریضه هذا است والسلام — علاوه ازین هم یك نقل استفتا معه جواب در پرچهٔ سراج الاخبار شایع فرموده یك پرچه بسبیل داك مرالارسال فرمایند قیمت اوراحسب تحریر جناب ارسال خواهم کرد — بنده (هیچمدان سید محمدعنایت رسول ناصری از بلدهٔ بانس بریلی محلهٔ کهیر سوجی خان نزد جامع مسجد ملك هندوستان) المعروضه روز سه‌شنبه ۲۴ ربیع الثانی سنه ۱۳۳۴ (نقل فقرات استفتای او)

چه میفرمایند علمای دین متین ومفتیان شرع مبین درین مسئله (۱) اذان ثانیهٔ جمعه که روبروی منبر میشود در وقت رسول‌الله صلی الله علیه وسلم اندرون مسجد میشد یابیرون مسجد — (۲) در زمانهٔ خلفای راشدین کجا میشد (۳) در کتب معتمد فقه حنفیه اذان کفتن اندرون مسجد منع کفته ومکروه فرموده یانی (٤) اکردر زمان رسول‌الله صلی الله علیه وآله واصحابه وسلم وخلفای راشدین رضی الله عنهم اذان بیرون مسجد میشد وائمه مانیز اذان اندرون مسجدرا مکروفرموده درنحالت مامفتیان محمدیرا برین عامل باید بود یاپابند رواج ورسم باید کرد ورسم ورواجی که مخالف حدیث وفقه افتد در آنحالت مسلمانان را پیروی فقه وحدیث لازم است یاپابندی رسم ورواج (۵) بدعت یاامر جدید آن است که مطابق حکم رسول خدا صلی الله علیه وسلم وخلفای راشدین واحکام ائمه باشد یا آنکه خلاف آن همه کان در مخلوق مروج شده باشد (٦) در مکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره این اذان مطابق حدیث وفقه میشود ویاخلافش اکرخلاف میشود ارشاد علمای کرام آنجا در بارهٔ عقاید حجت اند یاافعال مؤذنان تنخواه داران آنجاحجت باشند اکرچه خلاف شریعت وحدیث وفقه باشند (۷) در احادیث تذکره زنده کردن سنت هست یانه وبر ان اجر یکصد شهید وعده فرموده است یانه واکر هست سنت زنده‌را زنده کردن مراد باشد یاسنت مرده‌را سنت مرده آنوقت کفته خواهد شد که خلاف او در خلق رواج افتد یا آنکه خود در ائمه باشد سنت مرده قرار خواهد یافت (۸) برعلما لازمیست یا که نه که سنت مرده رازنده کنند وبر آنان این اعتراض جائز میتواند شد که پیش ازشما علمای دین نبودند اکراین اعتراض باشد صورت زنده کردن چه باشد (۹) در وسط مسجدیکه حوض واقع باشد برفصل او ایستاده محاذی منبر اذان داده شود درینصورت اذان بیرون مسجدادا خواهد شد یانه (۱۰) درمساجدیکه روبروی منبر دیوار واقع باشد اکرمؤذن بیرون مسجد اذان کوید روبروی خطیب نباشد درانصورت چه باید کرد بینوا توجروا —

افتا

برمستفتیان این واقعه مخفی وپوشیده مباد — که اذان در داخل مسجد بروایتی مکروه است (کمافی کتاب النظم) وبروایتی مکروه نیست (کمافی الجلالی) هکذافی جامع الرموزفی باب الاذان — توفیق در میان روایتین اینکه روایت کراهیت در جائیست که اذان خانه بیرون مسجد باشد — وروایت عدم کراهیت در جائیست که اذان خانه داخل مسجد باشد — واین اختلاف در اذانیست که برای اعلام غائبین باشد بدخول وقت (چون اذان پنجکانه واذان اول جمعه در زوراء) واذانیکه برای اعلام غائبین نباشد باتفاق درداخل مسجد نیست پس مکروه نیست اذان دوم جمعه نزدمنبر زیرا که آن برای اعلام غائبین بدخول وقت نیست — چنانچه صاحب درمختار درباب اذان تصریح برین نموده — و نیز در فتح الباری شرح صحیح بخاری ازمهلب نقل کرده که حکمت درمقرر کردن اذان روزجمعه درپیش منبر برای اعلام مردم است به نشستن امام برمنبر برای خطبه تامردم سکوت ورزند از سخن — پس ازین تصریح نیز ثابت است که وضع آن برای اعلام غائبین نیست — فائده این اذان اعلام حاضرین است برای استماع خطبه — واقامت اعلام حاضرین است برای شروع نماز —

اگر اعتراض شود که وضع اذان برای اعلام غائبین است پس چکونه اذان جمعه برای اعلام حاضرین باشد جواب آنکه این تخصیص برای ازان پنجکانه است نه اذان جمعه زیرا که ابتکار درجمعه سنت است وهمه اصحاب کرام برای اقامت این سنت درروز جمعه مبتکر میبودند واکر احیاناً ابتکار ازیکی درانوقت فوت میشد ملوم میکردید پس به اعلام غائبین درانوقت حاجت نبود — ومؤید این مدعا قول صاحب مرقاة است که چون اهل مدینه بسیار شدند وبدعت ترك ابتکار در آن ظاهر کردید اذانیکه درعهد حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم نزد منبر میشد کفی برای اعلام همه اهل مدینه نبود لهذا جناب عثمان غنی رضی الله عنه اذان دیکر بیرون مسجد برزوراء اجتهاداً مقرر نمود تا که همه اهل مدینه بشنوند — وایضا ذکرفی فتح الباری شرح صحیح البخاری وتبین بمامضی ان عثمان احدثه لاعلام الناس بدخول وقت الصلوة قیاساً علی بقیة الصلوة وابقی خصوصیتها بالاذان بین یدی الخطیب انتهی وقال محمود ابن احمد العینی فی شرحه علی الصحیح البخاری فلما کانت خلافة عمر رضی الله عنه وکثر المسلمون امر مؤذنین ان یوذنا للناس بالجمعة خارجاً من المسجد حتی یسمع الناس الاذان وامران یؤذن بین یدیه کما کان یفعل المؤذن بین یدی نبی صلی الله علیه وسلم وبین یدی ابی بکر رضی الله عنه ثم قال عمر رضی الله عنه اما الاذان الاول فنحن ابتدعناه لکثرة المسلمین انتهی فثبت مما ذکران الاذان قبل زمان عمر رضی الله کان بین یدی الخطیب کما هو کذلک فی زمنه لکن لا لاعلام الغائبین بل لاعلام الحاضرین بجلوس الامام علی المنبر لیسکتوا — وآنچه امام سیوطی رحمة الله درتوشیح درباب تاذین عندالخطبه فرموده مؤید است که حکمت دراذان بین یدی الخطیب این است که خاموش



کردند مردم ازسخن واز بانك وخروش بجهة سمع خطبه - درنجا نیك واضح است که اذان بین یدی الخطیب ماننداقامت دردا خل مسجد امام المنبر برای اعلام حاضرین است مبرا ازکراهیت --

وآنچه دربعضی ازتفاسیر اذان قدیم رابرباب مسجد آورده اندمتمسك بروایتی کردیده اند که ابی داؤد درسنن خود آورده ودر سند رواة اوابن اسحق مندرج است لیکن ابن اسحق نزدمحدثین مطعون وحدیث مروی او ضعیف است که قابل تمسك نمیباشد وعلامه محمود ابن احمد العینی رح ازبیهقی نقل نموده که حفاظ حدیث ازعمل نمودن بحدیثیکه ابن اسحق دران متفرد باشد پرهیز میورزند حال آنکه درین محل متفرد است واسند لال بران محل حیرت زیرا که درحق اوسخن کفته شده بانواع سخنها حتی که امام مالك رح بابونسبت کذاب کرده وبسیاری ازمحدثین اورامدلس میکویند وابن حجر درتهذیب وتقریب تهذیب کفته که محمدابن اسحق صدوق است لیکن مدلس ومرمی بتشیع وقدراست والحق ان فی روایة محمد بن اسحق تقدیر یعنی اذا جلس النبی صلی الله علیه وسلم علی المنبر اذن بین یدیه بعد ما نادی علی باب المسجد فالنداء لا بالفاظ مخصوصة علی باب المسجد کان فی زمن النبی صلی الله علیه وسلم والشیخین ثم جعل عثمان رضی الله عنه هذا النداء اذانا ای بالفاظ مخصوصة علی مکان عال هوا لزوراء علی ماصرح به فی المرقاة فهذا هوا لتحقیق الحقیق بالقبول وبه ارتفع التعارض من الروایات الفحول —

واکر فرضاً تسلیم کرده شود که اذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم بیرون مسجد مقرر بود پس هیچ شك وشبه نیست درینکه جناب عثمان رضی الله عنه خلیفهٔ ثالث اذان ثانی جمعه رادرون مسجد قریب منبر جاری نمود وچون خلیفه برحق مطاع بود بسبب قول رسول الله صلی الله علیه وسلم (علیکم بسنتی وسنت الخلفاً الراشدین من بعدی) بمطلع اواحدی انکارنه نموده اجماع سکوتی بران منعقد شده واجماع اصحاب قطعی است کمابین فی موضعه پس ازین جهة ارباب هرچهار مذهب معهٔ اتباع شان غرباً وشرقاً متفق اند برینکه درروز جمعه دو اذان میکویند یکی بیرون مسجد برای اعلام غایبین ویکی درون مسجد قریب منبر برای اعلام حاضرین واستحضار آنها برای سماع خطبه مانند اقامت که برای شروع نماز است پس هرکه اجماع هرچهار مذهب را که مرتب است باجماع اصحاب کرام رضی الله عنهم سند نداند وبران عمل نه نماید میباید احدی کوش به کفتهٔ او نکیرد -

المرام (این شخص که میکوید اذان ثانیه نماز جمعه بیرون مسجد بباب او روبروی امام باید شد واندرون مسجد اذان کفتن مکروه وخلاف ادب دربار الهی است) آیا خودرا مقلد یکی ازمذاهب اربعه میداندیانه اکرنداند پس ازروی احادیث میکوید یااز رای خود اکرازاحادیث میکوید این خلاف واقع است چنانچه درفوق مفصلا مرقوم شد که اذان درزمان حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم درون مسجد قریب منبر بود واکر ازرای خود میکوید تقلید او مسلمانرا روانیست واکر خودرا داخل یکی از مذاهب اربعه میداند احوال مذاهب اربعه مختصراً در فوق مرقوم کردیده ومفصلاً درضمن مسایل مرقومهٔ ذیل میاید انشاءالله تعالی تابداند خلاصه آنکه مامقلدان را نمیسزد که ذرهٔ ازاقوال مجتهدین فی الشرع والمذهب مخالفت نمائیم واجماع مجتهدین هرچهار مذهب برهمین است که آذان ثانیهٔ نماز جمعه درصف اول قریب منبر کفته میشود وتوارث ومعموله جمیع اهالی مذاهب اربعه درمکهٔ معظمه ومدینهٔ منوره وتمامی بلاد اسلامیه ازشرق تاغرب بهمین طریق جاریست پس برجمیع اهالی مذاهب اربعه لازم است که از تقلید ایشان مخالفت ننمایند اکر بالفرض یك حدیث صحیح غیرمطعون درینباب ظاهر کنند واعتراض نماید که حضرت امام همام صافی صوفی ابوحنیفه کوفی رحمة الله تعالی علیه فرموده که (اذاصح الحدیث و بخالفه قولی فهو مذهبی) ودیکر قول او (اترکو اقولی بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم واصحابه) پس میباید مقلدان مذهب امام همام ممدوح بحدیث مفروضهٔ منقوله عمل نمایند وترك مذهب کنند جوابش اینکه این کلام علی العموم مراد نیست بلکه درحق مجتهدین فی المذهب است زیرا که اجماع امت براین است که برغیر مجتهد تقلید مجتهد ونقل قول او واجب است ونیست حلال مراورا حکم وفتوا باستنباط خود ازآیات ، حدیث وقیاس ونافذ نیست حکم او بغیر تقلید بلکه کناه کار میشود بر حکم کردن بغیر از تقلید (وقوله اترکو اقولی) خطاب بر مجتهدین فی المذهب است که شاکردان امام ممدوح اند وخطاب نیست برای هرکس چنانکه چندقیود درین کلام مقدراست (قیداول) اینکه ثابت باشد نزدامام که حدیث صحیح است ورد ونسخ وغیره ازطرف امام سخن کفته نشده باشد واین قید ازین قول امام ممدوح میبراید (که اذا صح الحدیث) لانه اذا کان ضعیفاً او متکلما فیه من جانبه لم یکن صحیحاً - (قیدثانی) اینکه ثابت باشد حدیث صحیح بحیثیکه در مقابل آن حدیث قول امام قول قیاسی باشد واینقید ازین قول وی بخالفه قولی پیدا وهویدا است زیرا که وقتی که ثابت شد حدیث صحیح ودرمقابله آن اجماع یا کتاب یاحدیث صحیح تر در نزد امام ثابت شده باشد مثل مسئله بودن بسمله جزء ازقرآن نه جزء ازفاتحه ومسئله اخفای بسمله درنماز وغیره آن که در کتب مبسوط مذکور است آنرا قول خاص امام کفته نمیشود (وقید سوم) اینکه صاحب خطاب مجتهد فی المذهب است واین قید ازقول وی - اذاصح الحدیث بخالفه قولی فهو مذهبی - میبراید زیرا که معرفت مخالفت قول امام از حدیث ازشان هرمقلد نیست بلکه از شان مجتهدفی المذهب است پس بنابر این مخالفت قول امام مرغیر ازمجتهدفی المذهب که بقیود سه کانه میداند مقلد صرف را جائزنیست فقط تحریریوم ۲۴ جمادی الثانی سنه ۱۳۳٤

محل مواهیر حضرت قاضی القضاة واهالی محکمهٔ شرعیهٔ دارالسلطنهٔ کابل

ادبیات

نامهٔ منظومه بخدمت جناب فیض مآب مدیر و محرر صاحب سراج الاخبار مبارك بقرار شرح ذیل

ایا که سفتهٔ در هاو کوهر اسرار
میادبی کل رویتو کلشن اخبار
نضارتی و طراوت زتست کابل را
که تحفهٔ سخنت میرود بسمت چهار
قدت بباغ هنر همچو سرو آزادست
لبت به نکته سرائیست بلبل کلزار
تنت زباده عرفان چوخم بوددرجوش
دلت زعشق بکردش جو کنبددوار
بس از دعا کنم اظهار مدعای ضمیر
که عمربابر کاب است ونیست جای مدار

نوشته ام سخن چند را بخدمت تو
زعشق شمهٔ دروصف شاه عدل‌شعار
کمی زحیلهٔ دنیا وشورش عالم
شکایتی د کراز جور دور این پرکار
بخدمت تو فرستاده ام امید کنان
که مثل در کشی اورا برشتهٔ اخبار
بیا که اندکی از کردش زمان کویم
که‌خلق بردچه‌سودا وسود ازین‌بازار
زمین زشورش جنك وجدل‌خرابشده
به کشك‌وقصر بلندش کرفته‌جغدقرار
فلك‌ز سرك‌بسی‌جامه کرده سبزو کبود
بماتمیکه بمرد هزار کلرخسار
چنان موافقت کفراو فتاده بهم
که‌چند ملت‌و کشور بودبهم غم‌خوار
چه سرویاوچه‌بلجیك‌چه‌فرانس‌چه‌روس
فرنك اطالیه بامردم بلند شعار
بتوپ‌وتیر وتفنك وبه‌تیغ رنکارنك
زبهر جیفهٔ دنیا کشندزارو نزار
کرفته روی‌زمین آتش فساد چنان
که فرق تابقدم سوخت اهل‌این بازار
ازین‌طرف‌شده‌سلطان‌ازانطرف‌جرمن
کشیده تیغ‌مکافات بوسر کفار
نزادمی نماند کسی بروی جهان
برین‌و تیره دوسه سال‌اکرشود بیکار
نمانده هیچ کسی بیغم اندرین دنیا
که اونه بسته‌بفتراك میوه زین‌اشجار
خوشاکه زنده نظامی بدی‌و فردوسی
که‌مینوشت هزاران کتاب‌ازین‌اسمار
چه کفتم اه پشیمان‌شدم ز کفتهٔ‌خود
که‌صد کتاب‌چنان است‌درج‌دراخبار
چنان‌بورطهٔ حیرت فرو شدی ابدل
که سر بجیب نمودی زفکرت بسیار
سروش‌غیب به کوش‌جکر صدادرداد
که‌نیست‌رسته‌ازین‌بحر هیچکس‌بکنار
مکر که کشورسلطان‌سراج‌ملت‌ودین
زفضل حضرت ایزد بود بامن قرار
خصومتی نبود در میان دو دشمن
بفرش خلت ونمار خفته کربه وفار
زبس بعدل وسخاوت بود فریدزمان
که نام حاتم ونو شیروان نشداظهار
بود حکیم برای علاج هرمرضی
دهد دوای موافق بدرد هربیمار
سدیست از پی‌یاجوج کفردر ره‌دین
به بستهٔ کردن دشمن برشتهٔ افکار
جهان بظل همایون او همایونست
ملاذومامن هردولت ست در اعصار
زمین اوست براحت چو کافهٔ اسلام
جهان چرانکند تن بمقدمش ایثار
کسیکه شکر وجود شریف او نکند
مدام باد وجودش نشانهٔ سوفار
دکر دعابه‌رفیقان اهل دین این ست
که باد دلبراعیان هریکی بکنار
مقیم دشت فنائیم چون حباب بموج
رحیلتست ازین منزل غریب آزار
چه اعتبار بود بربقای برك خزان
همیشه باركاییم در خریف وبهار
غذا وقوت بنی آدم ست خون جکر
عبث به نرد هواو هوس زنند قمار
همه‌غنوده‌دوچشمان‌بخواب‌خرکوش‌است
نواقفند زمکر سماء کجرفتار
فسون دمد که کلاهت بسرنهد لیکن
بحیله حیله رباید زفرق وسر دستار
فرو بحلق‌نبردم زانکبین و عسل   که‌درمذاق‌وکلویم بریخت‌زهرو‌مار
چووضع‌خلق‌بدیدکروتیره‌شد(صابر)   توخویشتن بخدا وندکرد کارسپار

امضا   میرا کبر صابر از ارغنده

انتخاب

(از خوشحال خان)

پشتانه که آدم زاد دی   په‌خوبو نوکش عناد دی
نه حکمت لری نه عقل   خو بش‌هرکوره بفساددی
نه دپلار بویل کار کا   نه په نغت د استاد دی
چه‌په‌دوی‌کش‌یوی‌شه‌وی   د هغهٔ دهر جلاد دی
یو دبل‌په کمی ناست دی   حکه تل به بلا یاد دی
اول زه دا نورد پسه   خوشته واره داهداددی
په‌نفاق‌ئی واره ورك‌کرل   که‌شجاع‌دی که‌جواددی
نهٔ قدر شته نه پدل   دیرتر موروتر جراد دی
دالا شکر کره خوشحاله   چه بنده ندی آزاد دی

حوادث خارجیه

افسانه های جنك نقل ازجراید اوروپا
نطق صدراعظم آلمان

کپنهاك ۷ آوریل ـ ازبرلن خبرمیرسد : برطبق مندرجات آژانس وولف امروز جلسه رایشتاك‌مفتوح شد . هنکام مراجعهٔ ثانوی بودجه صدر اعظم امپراطوری در حضور و کلاووزراء نطق‌ذیل‌را اداءنمود : جریان‌حوادث‌اخیره آنچه‌را که‌من‌سه‌ماه قبل‌در‌خصوص وضعیت‌وموفقیت نظامی استراتژی آلمان در پیشکاه مجلس رایشتاك بیان داشتم عینابطور وضوح‌تائید وتصدیق‌نموده‌بمعرض جلوه می‌کذارد . جنك حاضردرتمام عرصات‌عمدهٔ کارزاردنیا کماکان‌مساعدبحال نظامیان‌غیوروروشیدمااست .

دشمنان ماخیال‌دارند که‌برای‌موفقیت وپیشرفت مقاصد سوءخویش مناسبات‌وروابط‌آلمان رابانمام‌دنیاقطع کرده‌اورابوسیله‌قحط وغلامعدوم

سازند . درك این مطلب برمن بسیار دشوار است که اشخاص باهوش وفراست چطور بعداز تجارب زیاد ۱۹۱۵ بازامید بقحط وغلای آلمان دارند وبازمنتظرهستند که آلمان از گرسنگی تلف شود . محصول ۱۹۱۵ مابسیار بد بود ولی موجب را پورتهائیکه متوالیامی رسد محصول امسالهٔ مملکت ما ازهرحیث وجهت امیدبخش است . انگلیس روز بروز محاصره بحری سواحل آلمان را تقویت می نماید وملتفت نیست که ازاینگونه عملیات واقدامات اوچه خسارات کلی بمنابع دول بی طرف عموما واتازونی مخصوصا وارد آمده است . حکومت اتازونی برعلیه محاصره بحری وخسارات وارده جداً اعتراض نموده است .

اشخاص باعقل وبا مدرك که دول بیطرف ابداً نمی توانند ازما تقاضا نمایند که اسلحه خودرا برای حفظ حقوق خویش استعمال نکنیم . ما سلاح خودرا برعلیه کسانیکه حقوق بین الملل را تضییع نموده باپیشرفت تمایلات سوء خود میخواهند مارا از گرسنگی معدوم سازند بکاربرده ومی بریم مابپیوسته منافع حقیقی ملل بیطرف رامرعی ومحترم داشته ایم ودرمقابل انتظارداریم که دیگران هم حقوق حقهٔ مارا رعایت نموده مارا ذیحق بدانند .

ازبیانات دشمنان چنین مستفاد میشود که هیچیك از آنها میل بانعقاد صلح ندارند .

اسکویت میکوید که مذاکرات صلح آمیز شروع نخواهد شد مگر بعدازینکه قدرت وتوانائی نظامی (میلیتاریزم) پروسی بکلی منهدم ومنهزم گردد .

بشرایط پیشنهاد دشمنان مایك جواب داریم وآن جواب راهم شمشیرآبدار خواهد داد .

مافقط برای حفظ منافع وحقوق حقه خود دست بقبضهٔ شمشیربردیم واگرصلح چندی قبل ازاین می توانست وجود خارجی پیدا کند حالا دیگرآن احتمال وامکان بکلی ازمیان رفت زیرا که راه هزیمت وعقب نشستن سپاهیان دلاور جنگجوی ما منقطع ومسدود شد .

حوادث وواقعات جنك بالطبیعه مسئله لهستان را مطرح کرده است تصفیهٔ مسئله لهستان یکی از وظایف عمدهٔ آلمان واطریش وهنگری است وطولی نمی کشد که آنان وظیفهٔ خودرا ایفا می نمایند .

بدولت روس اجازه نخواهیم داد که در دفعهٔ ثانی قشونهای خودرا بحدود شرقی وغربی پروس سوق دهد .

ایالات « بریویسلن » نباید یك دفعه دیگرباپول فرانسه مبدل بدروازهٔ شود که از آنجا بتوانند بمملکت آنان حمله نمایند . ما باید آتیه بلژیك را تامین نمائیم که یك مرتبه دیگردولت مزبوردست نشاندهٔ انگلیس وفرانسه نشود ودولتین مذکور نتوانند برای کشمکش باما آنجارا مبدل باستحکامات نظامی واقتصادی خود نکنند .

حکومت آلمان اجازه نخواهد داد که فرانسه یك دفعه دیگر قبایل فلاماند ستمدیده را تحت نفوذ تمدن خود قرار دهند .

سپس ما حکومت روس را مجبور خواهیم کرد که تمام آلمانها ئیرا که در تبعیت اوو ما هستند وهزاران جور وتعدی درحق آنان نموده واموال ودارائی آنهارا بچپاول وغارت برده وآنهارا بدون جهة تبعید کرده متقاعد سازد وتمام خسارات وارده را جبران نماید .

ماراه نجات ورستگاری هموطنان خود را که در قید عبودیت واسارت روسها اسیر هستند بازخواهیم کرد صلحی که بعداز جنك کنونی منعقد خواهد شد باید متین وپایدار وتزلزل ناپذیر باشد .

بریتانیای کبیربا کمال جدیت کوشش دارد که بعداز جنك وبعداز انعقاد صلح عمومی بازدر زمینه اقتصادی کشمکش خود را باما مداومت دهد . ولی تمام جد وجهد ومساعی او کما فی السابق نتیجه وثمرهٔ حاصل نخواهد کرد .

ما تا کنون هیچیك از ملل را تهدید باضمحلال وانهدام نموده ایم . برای تصرف قطعه زمین دیگران فرزندان ونوجوانان ما بخون رنگین خود آغشته نمی شوند .

قلوب ما واعصاب ما وعروق ما وهمت ما ونظر عالی ما مارا ونظامیان دلیر ورشید مارا تقویت نموده بروبال می بخشند .

بااین سابقهٔ درخشان ما بدون شبهه آتیه ماهم امید بخش ودرخشان خواهد بود

نطق وزیر جنك آلمان

یك ملت شکست ناپذیر

از آمستردام مورخه ۱۰ آوریل

برطبق تلگرافات واصله ازبرلن در طی قرائت لایحهٔ که از طرف وزارت جنك آلمان دائر براديه یك وجه معینی به سربازهای ناتوان شدهٔ جنك بهریشتاك پیشنهاد شده بود ژنرال ویلدون هوهن بورن وزیر جنك چنین گفت :

در این موقع لازم میدانم راجع بوضعیات نظامی توضیحاتی بدهم زیرا بیانات شانسلورامپراطوری وراپورتهای رسمی مراکز نظامی حاوی اطلاعات کافیه میباشد وملت بخوبی میتواند عملیات فاتحانه قشون آلمان را در تمام فرونتهای جنك درك کند . راپورتهای مراکز ما خیلی مختصر وموافق رسم نظام انشاء میشوند لیکن برخلاف راپورتهای دشمنان ما همیشه صحیح وراست هستند . مملکت ما هیچ باغراق ومبالغه احتیاجی ندارد . از یك نظر سطحی برنقشه فتوحات ما معلوم میشود . دشمنان ما نیز این مسئله را میدانند اما اعتراف نمیکنند . اراده وعزم ملت . قوای روحیه افراد آلمان وموجود بودن جمیع تدارکات لازمه نظامی فتوحات مارا تامین میکنند مارا بوسیله شجاعت سپاهیان ما بآخرین مقصود خویش میرسانند .

راجع بتعرضات روسیه وجنك وردون وزیر جنك آلمان چنین گفت . دشمنان ما میکویند که عملیات آلمان در حقیقت مجاهدات مذبوحانه ایست که یك ملت خسته فرسوده بعمل میاورد .

اماچنین نیست عملیات ما در حقیقت لطماتی است که یك ملت قادر قاهرشکست ناپذیری وارد میآورد یك ملتی که جمیع لوازم وتدارکات را موجود دارد و با آنها بقدری بردشمنان خویش مشت خواهد زد تا آنهارا خسته وفرسوده نماید .

برای حصول این مقصود من باتمام قوای خویش مشغول کارمیشوم صدذرع سنگر در نظرمن ازفصیح ترین نطق بهترومفیدتر است نطقهای بلیغ در خصوص فتح جنك کنونی را خاتمه نخواهد داد . تنهاچیزی که جنك را خاتمه میدهد اولا لطمات سختی است که در میدان جنك بردشمن وارد آید وثانیا استقامت ملت است که لطمات مزبوره را

وارد آورد وتاآخر پافشاری نماید. کله پافشاری قاصر از آنست که شور وشوق سپاهیان مارا تعبیر نماید. مامیخواهیم بانیروی سپاهیان خویش جنك را بفتح قطعی خویش خاتمه دهیم. قشون درصورتی میتواند کار کند که ملت پایداری نماید. تابحال هیچ دولتی مثل انکلستان دایره حرب را وسعت نداده وبازن وبچه جنك نکرده است. اماوسائلی که ما در دست داریم بقدری نیکو وقوی ووسیعند که انکلستان ازعهده برنخواهد آمد که مارا کرفتار قحط وغلا نماید.

مشارکت واتحاد ملت آلمان دراین جنك ازجمله مسائل باعظمت تاریخ است. قشون آلمان عزیمت دلیرانه ملت خویش را سپاس کذار است باستظهار روح ملت قشون آلمان همه چیز خودرا فدای تحصیل یك صلحی خواهد کرد که باتلفات وفداکاریهای مامتناسب باشد وآتیه مارا تامین نماید. تازمانیکه یك چنین صلحی منعقد کردد بایدصبر وتحمل کرد. از جمله اختصاصات این جنك آنست که ثمرات آن برای ماخوب است امابتدریج. فتح وظفر کامل باماخواهدبود وماباید بدینمسئله اطمینان داشته باشیم.

حکایت های محاربه

انکلیس در عراق عرب چسان داخل شد؟

در یکسال ونیم قبل دولت انکلیس قشونی به عراق عرب اعزام داشته ودرصدد آمد که بطرف بغداد برود واین قشون کشی نه تنها برای تامین وحراست معادن نفطی بود که انکلستان در اراضی ایران داشت بلکه برای تامین نظریات و منافع خیلی مهم تری بریطانیای کبیر اقدام بدان نمود.

آلمان انکلستانرا تهدید میکرد که اردوی بزرکی از قشون ترك را بطرف هندوستان سوق داده و مسلمانان ساکن آن دیار ونواحی را بروی بشورانند.

انکلیس برای آنکه راه مزبور را مسدود ساخته و طرق این اقدامات را برای آلمان وعثمانی سد سازد باتفاق روسیه داخل عملیاتی شدند که انکلیس درعراق عرب وروسیه در قفقاز متفقا کار کنند.

چنانچه ورود و حضور قشون انکلستان در بغداد صورت فعلیت می یافت مقاصد المان را در آسیای مرکزی وشرقی بکلی معدوم ومتلاشی میساخت وشروع به عملیات وتهیجات آلمان در داخله آسیا مدتها قبل ازطلوع حرب بین المللی شروع کشته بود.

عدم موفقیت انکلیس وایراداتی که بتوان به حکومت هندوستان که مامور تشکیلات این قشون کشی بود نمود آن است که قوای عظیمه ومقدار قشون مکفی برای یك چنین امر مهمی تدارك نساخت وقبلا مشکلاتی که ممکن بود برای این امر درپیش آید پیش بینی نکرد.

اولین مرحله این قشون کشی مساعدشد وتصرف بصره خیلی برای المانها نامطبوع واقع شد زیرا که قبلا بین النهرین را مانندیکی ازمتصرفات خودشان می پنداشتند.

پس از استقرار مواقع خویش در بصره قشون انکلیس بسوی شط العرب بالا رفته و «قورنه» را که در محل التقاء دجله وفرات واقع است اشغال کرد. سپس قشون مزبور بدوستون منقسم شد. مرکز عمومی اردوکاه در خود قورنه قرار کرفت و هریك ازستونها بطرف یکی از دورود دجله وفرات بالا رفت.

در اوایل امر اوضاع پیشرفت برای قسمت قشونی که در تحت ریاست ژنرال توشاند درکنار دجله بسمت بغداد میرفت مساعد کردید وژنرال مزبور باموفقیت تا «کوت العماره» رفت ودرآنجا یك فقره جنك باقوای عثمانی نمود. پس ازاین فتح ژنرال توشاند پیاده نظام وتوپخانه خودرا سوار کشتی وکرجی های بخاری نموده ومعجلا باایلغار قشونی بسوی بغداد عزیمت نمود.

در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۱۵ قوای ژنرال توشاند وارد تسیفون کشت. درآن موقع قوای عثمانی درتحت فرماندهی ژنرال نور الدین پاشا درمقابل بود لیکن بنظر نمیامد که قابل آن باشد که بتواند ازپیشرفت قوای انکلیس جلو کیری کرده وبغداد را حفظ نماید وبنابراین خیلی انتظار وصول این خبر میرفت که عنقریب قشون انکلیس داخل پایتخت قدیم خلفای عباسی کردند.

درتاریخ ۲۵ نوامبر دوروز بعداز ورود توشاند به تسیفون امدادیه نیرومند و عساکر مقتدری بکمك نور الدین پاشا رسیده وبلا فاصله حملات شدیده و تعرضات قاهرانه عثمانیها برعلیه قوای انکلیس شروع شده و در نتیجه آن جنك فاتحانه ژنرال توشاند را باقوای ابواجمعی وتا «کوت العماره» بسرعت عقب راندند.

عرصه به ژنرال توشاند تنك شد ونتوانست درست ملتفت شود که چه مقدار قشون عثمانی درمقابل دارد واشتباها تصور کرد که میتواند در «کوت العماره» توقف نموده و انتظار امدادیه جدیدی که حتما برای او میفرستادند داشته باشدونظرباآنکه کوت العماره دریك نقطه مهم استراتژی درمحلی واقع است که دجله پیچ میخورد وبرای مدافعه خیلی سهل ومناسب است خیال کردکه تارسیدن مدد ممکن است بدون لطمه وخطر درآنجا اقامت کزید.

ازطرفی هم ژنرال نور الدین یك قشون معتنابهی مهیا داشت ومی توانست ازاطراف قوای ژنرال توشاندرا محاصره نماید وبنابراین عمل محاصره را خوب انجام داده و مقداری در اطراف آنجا به محاصره کاشت و مقدار دیکر را جلو برد که قوای امدادیه جدید انکلیس نتوانند به ژنرال توشاند ملحق شوند.

درهمین حین عساکرعثمانی شروع به حمله براستحکامات کوت العماره نمودند ویك قشون مکفی هم بطرف «البقاء» درساحل دجله ودرمشرق باطلاقهای سوا که اعزام کردند وکار محصوریت انکلیس ها کاملا انجام یافت.

موقعیت عساکر ژنرال توشاند اضطراب آمیز میشد. متدرجا تهدید استحکامات آن بیشتر کردید. مقدار عساکر وی ۱۰ هزار وتقریبا ۶۰ هزار نفر قشون عثمانی اورا احاطه کرده ومسافت کوت العماره وژنرال توشاند تاقورنه تقریبا ۴۰۰ کیلومتر بود.

اردوکاه مرکزی انکلیس که درقورنه قرارداشت برای استخلاص ژنرال توشاند از محاصره دوستون قشون یکی درتحت فرماندهی ژنرال ایلمر ودیکری درتحت ریاست ژنرال ایك بطرف کوت العماره ازطرفین ساحل یمین ویسار دجله اعزام داشت.

اردوی جنرال ایلمر که در جانب ساحل شرقی پیش میرفت در تاریخ ۶ ژانویه نزدیك نقطهٔ « شیخ سعد » رسید ودر آنجا باعساکر عثمانی تصادف شده جنك شدیدی واقع گردید که تمامت مدت روز طول کشید. دراین حین یك ستون قشون دیگر انگلیس درساحل غربی دجله بقوای عثمانی که عده شان قلیل بود حمله‌ور شدند وزود بمقصود رسیده قشون ترك را عقب راندند در حالتیکه قشون ژنرال ایلمر روز هشتم ونهم را نیز باقوای عثمانی جنك می‌کرد تا آنکه بالاخره موفق شد که عساکر خصم را بطرف « اراحه » عقب‌تر نشاند.

از تاریخ ۲۵ نوامبر روزیکه در آنروز قشون ژنرال توشاند تیسفون را تخلیه کرده و متعاقب آن در کوت العماره محصور شده بود تاروز ۹ ژانویه که قشونهای امدادیه انگلیس درطرفین دجله‌ودر « شیخ‌سعد » جنك میکردند یك‌ماه ونیم گذشته ودراین مدت‌هنوز انگلیس هاوقت خود را تلف نکرده بودند ولی عملیات آنها بطور کندی صورت می‌گرفت. ظاهرا علت این سستی وکندی را بدین مسئله باید منتسب داشت که‌تقریبا در اطراف دجله راههای خوب وآبادانی وقریه وجود ندارد وبعلاوه در آن مدت غالبا باران مثل سیل از آسمان بزمین فرو می‌ریخت وتقریبا همیشه قشون‌های انگلیس بایستی درمیان گل وباطلاق اردو زده وتوقف نماید ورساندن آذوقه وتامین ارتباط بامشکلات فوق التصور مرارت آمیزی صورت می‌یافت.

پس از محاربات شیخ سعد ژنرال ایلمر که‌فرماندهی کل قشونهای انگلیس بوی محول بود بطرف « اراحه » متوجه شد وآنجا نزدیك نقطهٔ واقع شده است که‌رود « وادی » رود خانه‌غیر منظمی که آبهای باطلاقهای سوا که را بدجله میریزد در آنجا است.

قوای ژنرال ایلمر دراین‌جا نیزباعساکر عثمانی تصادف کرده‌وپس ازدو فقره محاربه سنگینی که یکی در ۱۳ ودیگری در ۱۵ ژانویه رخ داد وعثمانیها مجبور بعقب نشینی‌شده وژنرال ایلمر ازوادی عبور کرده و ۲۱ ژانویه مجددابه «السین» رسیده وبه‌قوای ترك حمله‌برد.

این‌جنك بسیارسخت وخونریز گردید وطرفین مکرر غالب‌ومغلوب شدند وطغیان سیلاب‌دجله وهوای بد مجال‌ندادند که‌ژنرال ایلمر بتواند روز ۲۲ بخصم حمله‌برد ابلاغیه های رسمی انگلستان در انموقع خبر دادند که قشون ژنرال ایلمر در ۱۳۰۰ متری خطوط عثمانی جایگزین شده اند.

مدت یك‌ماه‌تمام عملیات قوای ژنرال ایلمر بکلی معوق وخنثی‌ماند ژنرال فرمانده کل قوای بین النهرین انگلیس که خودش به ستونهای امدادیه برای باز دید رفته بود تلگرافی در آخر ژانویه بلندن مخابره کرده وگفت: بواسطه گل‌وباطلاقهای عمیق که‌در اراضی ایجادشده است حرکات وعملیات قشونی مشکل ومحال‌است وضعیت صعب اراضی بدرجه‌بود که‌ژنرال ایلمررا ناچار ساخت که‌مواقع خودرا رها کرده وعقب‌تر تامشرق وادی در آنطرف منطقهٔ باطلاقها برود زیرا درهمان وقت‌وزارت جنك‌انگلستان بموجب تلگرافاتی که‌متعاقب تعویق وتعطیل جنك بوی رسیده بود اطلاع میداد که‌ژنرال ایلمر در ۲۲ فوریه یك اردوی عثمانی را درساحل یسار دجله درار تفاعات « ام الحنا » توپ بسته وروز بعد توپخانه خود را بهمان جانب مرکزیت داد که آنجارا استیلا نمایدلیکن مسئله محاربات ام‌الحنادر ۶ مارس صورت یافت.

متعاقب آن ژنرال ایلمر توانست بطرف کوت العماره پیش رود و ۸ مارس‌مجددا بمواقع اتراك‌در « السین » حمله‌برد ولی کاری صورت نداد که‌قوای اتراك را تکان دهد بلکه خودش ناچار بعقب نشستن‌شد ومجبورا دفعه دیگر ازآنجابطرف پائین باز گشت.

بهر صورت نتیجه آن جنك عقب رفتن ایلمر بود ولی ابلاغیه ها و تلگرافات انگلیس ازاین واقعه اشعاری نداشتند مگر دردهم ماه‌که اطلاع دادند بواسطه فقدان آب ومشکلات موقع ناچار بعقب نشستن بطرف رود خانه شده‌اند در تاریخ ۲۵ مارس فقط اطلاع داده شد که قشون ژنرال ایلمر بواسطه یك‌ضرب شصت‌ویك مقام کوچك عثمانی‌را در فلاحیه در ۲۰ کیلومتری شمال شرقی السین اشغال کرده اند.

در آنوقت ژنرال ایلمر از فرماندهی قشون منفصل شد وژنرال گورنك زمام فرماندهی کل‌را عهده دار شد و تغییر مزبور تادرجه اسباب امیدواری شد که‌ژنرال گورنك برخلاف فرمانده سابق جدیت وفعالیت فوق‌العاده تری‌برای رفتن به « کوت العماره » ونجات قوای محصور انگلیس نماید ودرتاریخ ۶ همان ماه فرمانده جدید کوشش کرد که‌درفلاحیه بقشون‌عثمانی هجوم‌برد ومصادف باوی ژنرال‌لیك درجانب یسار دجله بنای تعرض گذارد.

قشون ترك در انجا دوچار لطمه و عقب نشینی شدند و آخرین اخباریکه رسید مشعر برآن‌بود که‌هوا دو روز است خوش ومساعد شده وژنرال گورنك تدارك می‌بیند که بصناعیه حمله‌برد.

مسائلی که‌ذکرشد یك فهرست مختصری از وضعیات قشون کشی انگلیس به‌بین‌النهرین است وبطوریکه درفوق ذکر گردید انگلیس‌ها ازقورنه دوستون قشون حرکت دادند: یکی بطرف دجله وبغداد بالا میرفت ودیگر از کنار ساحل فرات بنای عزیمت‌را نهاد آیااین ستون دوم قشون چه‌شد؟ — ابلاغیه های انگلیس مدتی است خیلی ازاین مطلب کمتر چیزی اشعار می‌دارند. ماهمینقدر اطلاع داریم که قشون مزبور در کنار فرات حرکت کرده وتا ناصریه پیش رفته واز ترعه شط‌الحی تا « شطرا » رفتند ودرآنجا یك‌فقره جنگی‌نیز باقشون عثمانی نمودند. اینطور بنظرما می‌آید که‌این اردو بواسطه علل وجهاتی که تا کنون نخواسته اند بگویند وارد ناصریه شده ودر همانجا هم فعلا اقامت دارند.

بهرحال ژنرال توشاند چهار ماه‌ونیم در کوت العماره محصورماند ومعلوم است که‌ترتیب آذوقه وکمك رساندن بوی درچه مشکلات بزرگی گرفتار آمد ۱۶ هزارنفر محصور طبعادرنهایت مرارت دوچار شدند. ژنرال گورنك درهشتم آوریل تا ۱۵ کیلومتری کوت العماره خودرا رساند لیکن نتوانست بالاتر رود. تا آنکه سقوط‌کوت العماره وتسلیم ژنرال توشاند یکی از حوادث بسیار سخت و مصیبت آوری برای انگلیز گردید.

تحت البحرهای جدید آلمان
خیلی‌بزرگ — خیلی کوچك

متعاقب اختراعات جدیده تحت البحرهای آلمان که بدون منشور شعاعی یاپریسکوپ ساخته شده است باز هم اخیرا اطلاعاتی از نوع تحت‌البحرهای جدیدالاختراع دیگر رسیده ودر مراکز مطلعه بحری

مذاکره می‌شود که آلمانها بتازگی تحت‌البحرهای خیلی عظیم‌الجثه ساخته ومخصوصا به بحر مدیترانه فرستاده اند که دوکار از آنها صورت می‌گیرد یکی آنکه از زیر آب جنگ کرده وجهازات را باتریبل غرق و بعبارة اخری جنگ تجارتی می‌نماید دیگر آنکه توپ‌های بزرگ ومتعددی در آنها تعبیه شده است که بعلاوه جنگ زیرآبی روی آب هم آمده وبا کشتی های سطح دریا محاربات بحری روبرو مینماید وبزرگی این قسم تحت‌البحرها مثل جهازات متوسط جنگی است

متعاقب این خبر اطلاع دیگری رسیده و تایید شده است که مترادف با تحت‌البحری های جسیم و پرعرض وطول کار خانجات بحری آلمان تحت‌البحرهای خیلی کوچکی نیز به تازه‌گی اختراع وتدارک کرده‌اند که حجم وقطر آن خیلی کم و کوچك ومخصوص برای عملیات در دریاهای کوچك یا خلیج‌های تنگ است واین قسم تحت‌البحرها کمتر می توانند از مراکز بحری خویش دورتر روند

این دوقسم تحر البحری تازه که عرض وجود نموده وبعضی ها تصور می کردند شایعه آن نقیض هم است لیکن مخالف هم نیست . دو قسم ساخته شده وهریك از آنها برای انجام ماموریتی که ازعهده او ساخته می شود معین شده اند

در خصوص این تحت‌البحرهای کوه پیکر جدید آلمان اطلاعات زیادی رسیده است لیکن هیچیك از آنها شاید اطلاعات عمیقه وتفاصیل مبسوطه را حاوی نبوده واگرچه اخبار متعدد می‌رسد ولی در میان آنها چیرهائی که صحیح‌تر بنظر می آید بایستی اختیار کرد .

اینك اطلاعاتی را که نایب امیرال کرانت فرمانده کل اسکادر تحت‌البحرهای اتازونی در کمیته مجلس نماینده گان داده است دراین مورد ذکر مینمائیم . امیرال مزبور شرحی از تحت‌البحری‌های جدیدالاختراع آلمان که درحین حرکت روی آب ۷۵۰ تن ودروقت حرکت زیرآب ۹۰۰ تن ظرف بار گیری دارند اشعار داشته وچنین گفته است .

مرکز عمده وتکیه گاه بزرگ تحت‌البحرهای آلمان جزیره « هیگولند » میباشد و تحت‌البحرهای مزبوره ماه های عدیده اول جنگ تامحیط وفاصله ۱۳۵۰ میل (قریب ۳۹۰ فرسنك) دور از آن نقطه آمدورفت ودائره عملیات داشته اند ازقراریکه میتوانیم تصور نمائیم تحت‌البحرهای مذکور بسرعت ۲۰ نود سرعت سیر دارند لیکن بطور عموم درحین عملیات بسرعت ۱۷ تا ۱۸ نود حرکت نمایند وعادتا در روی آب بتندی ۱۲ نود راه می‌روند وهیچگونه اطلاعات دقیقه بدست ماتیا مده که در زیر آب بچه سرعت طی طریق را می کنند

این تحت‌البحرها ۱۳۵۰ میل دور می‌روند ورفتن وآمدن آنها به مرکز خودشان دومقابل آن ۲۷۰۰ میل (۷۸۰ فرسنك) می‌باشد واین مسافرت را درنه روز می‌توانند صورت دهند یعنی روزی ۳۰۰ میل راه می‌پیمایند لیکن مدت ماموریت وعملیات آنها بیست روزاست که رفته وپس ازانجام کار مجددا عودت نمایند مگر آنکه قبل ازبیست روز تریبل‌ها وقورخانه‌خود شان رامصرف کرده باشند که در آنصورت زودتر به مرکز خویشتن رجعت می‌نمایند .

عده صاحبمنصبان و ملاحان تحر البحرها ۳۸ نفر یعنی ۶ صاحبمنصب و ۳۲ ملاح است همینکه تحت‌البحرها رجعت کرد ۳۸ نفر مزبور ۱۲ روز مرخصی دارند که رفع خستگی کرده وراحت شوند وبنا برین ترتیب چنان است که از هرسه کشتی تحت‌البحری پیوسته یك فروند در تکیه گاه بحری است ویکی درکار حرکت و دیگری مشغول عملیات در وسط دریااست

از حساب کردن ایام عملیات هر یك تحت‌البحری ۹ روز برای مسافرت به میدان بزرگ دریا و ۲۰ روز برای مشغول جنگ و غرق جهازات بودن و۱۲ روز مرخصی و استراحت اعضا چنین مفهوم می گردد که مقیاس ساختن وبکار انداختن تحت‌البحرهای کوه پیکر و بزمیدان نسبتا بسیستمهای کوچك تر قدری کم وضعیف است وبنا براین خوب فهمیده میشود که اداره بحریه آلمان بانتایج وتاثیراتی که از جنگهای تحت‌البحری بدست آورده وبانتایج واثرات بزرگ تری که برای آتیه تعقیب مینماید شروع بساختن وتدارك سیستم های جدید از تحت‌البحرهای تازه تری نموده است که باترتیبات معینه تاثیرات نتایج مهمه‌را نسبتا بامساعی و کوشش های کوچك تر تحصیل نماید یعنی تحت‌البحرهای کوچك سیستم تازه بساز دوفواید بزرك از آن بگیرد

ازطرفی توجه‌بدین نکته نیز خیلی لازم است که تحت‌البحرهای خیلی‌درشت‌وخیلی کوچك ازحیث تریبل وغرق سفاین خصم یك‌طور اسلحه دارند وقوه آنها درجنگ زیرآبی متساوی است وهر دو قسم میتوانند همان اثرات منتظره وهمان ماموریت هارا انجام دهند

درست درهمین موقعی که جنگ های تحت‌البحری آلمان شدت وقوت یافته ودایره عملیات خود را توسعه داده اند تحت‌البحرهای جدیدالاختراع‌وی بیرون آمده وشروع بکار کرده اند : آلمان‌ازاین قسم تحت‌البحرها خیلی‌ساخته وآماده کرده است . زیرابطوریکه‌امیرال امریکا گفته است برای فعالیت ومداومت درعملیات بایدسه‌تحت‌البحری باشد که یکی از آنها مشغول عمل بوده باشد وبنا برین عده بایستی‌زیاد گردد که از هرسه فروند یکی بماموریت اشتغال یابد و در اینصورت تحت‌البحری های جدید اغلب ازسیستم کوچك ساخته‌شده اند . چرا که بیشتراین تحت‌البحرها را آلمان میخواهد دربحر شمال و دریای مانش برضد جهازات انگلیس وفرانسه کار کنند واین نقاط نزدیك مراکزعمده وتکیه گاه‌های بحری آلمان است‌ومیتوانند پیوسته بمراکز خودرفته آذوقه وقورخانه تریبل بردارند واحتیاج بدان نخواهندداشت که تحت‌البحرهای خیلی عظیم‌الجثه برای همراه برداشتن مقدار زیاد مهمات وسوخت درانجا بکار برند مگر در دریاهای دورمثل مدیترانه واژه که سیستم های بزرك می‌روند .

آیاظرفیت‌وحجم این تحت‌البحرهای سیستم جدید چقدر میباشند ؟ آلمانها عادت ندارند که اسرار خودرا بکسی گفته وهیچکس راطرف اطمینان خود قرار دهند . اینقدر رسماً اطلاع حاصل شده‌است که یك تحت‌البحری آلمانی توسط جهازات انگلیس وفرانسه دربحرمانش غرق شده وتحت‌البحری مزبور خیلی کوچك‌واعضاء آن خیلی‌کم بودند برحسب حدس وتخمین هائی که زده شده است حجم وظرفیت این تحت‌البحرهای تازه درسطح آب از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن میباشد ودورهٔ

عملیات آنها زود زود شروع وختم می‌گردد . توجه بدین نکته خیلی ضرور است که برای استعمال این تحت البحری ها حتما مرکز وتکیه گاهی لازم است که در سواحل بلژیك خیلی نزدیك « کاله » ساخته شده است که ازفواصل ومسافات کوتاهی بتوانند دربحرشمال ودریای مانش آمده‌مبادرت بماموریت وعملیات بنمایند . این‌مسئله‌را بایدبخاطر آورد که مکرر خبر رسیده است تحت‌البحری هائی که آلمان در کار خانهای جدید « هوبکن » و « انورس » ساخته است در کانال های زبروك حرکت کرده واز آنجا داخل دریا شده است .

محسنات ونتایجی که بوسیله این‌تحت‌البحری های جدید کوچك برای عملیات محیط های نزدیك حاصل می‌شود از این قرار است اولا ساختن آنها کم است و بامبلغی می توان عده زیاد حاضر ساخت . ثانیا زمان ساختن آنها کم است ودر قلیل مدت از کار خانه بیرون آمده وشروع بکار می‌کنند . ثالثاً یك‌عده معدودی ازصاحبمنصبان وملاحان کاردان‌را می‌توان بچندین‌تحت‌البحری گماشت ومثل تحت‌البحری‌های بزرك عمله جات زیاد لازم ندارد

محتاج بگفتن وتوضیح نیست که چنانچه فواید ومحسنات این سیستم جدید باوضعیات معین مدلل گشته است . تحت‌البحری‌های خیلی بزرك هم درمیدانهای بزرك ومخصوص خود مسلما کار میکنند . اداره امیرالبحری آلمان هر یك از اسلحه و آلات جنك تحت‌البحری را برای یك کار معینی تخصیص داده واز هرکدام آنها هر خاصیتی که می خواهند بهمان کاراستعمال می کنند . تان ۱۹ اوریل

حکایتهای محاربه

درمدیترانه

کشتی پروانس چطور غرق شد

مراسله ایست که‌ازجزیرهٔ مالطه مسیو بو کانوسکی نماینده سن‌راجع به‌چگونگی تربیل خوردن وغرق شدن کشتی پروانس دربحر مدیترانه به رئیس جمهور فرانسه نوشته است .

آقای رئیس جمهور بدون شبهه اطلاع دارید که دست قضا وقدر چه متدرات میشومی برای کشتی پروانس پیش آورد .

برای آنکه لااقل اندوه ومصیبت فرانسه را قدری تخفیف دهد بشما مینویسیم که حالت اشخاصی که در آن موقع در حین غرق شدن بین آسمان‌وآب قرارداشتند چه‌منظره شگفت انگیزی داشته وچگونه خویشتن را برای فدا شدن در راه وطن مهیامیساختند .

دراین کشتی‌یك باطالیون سرباز وعده ازنفرات رژیمان سوم‌پیاده بودند ودر مقابل آن خطریعنی غرق واعدام‌یك سکونت حیرت آمیزی ازخود بظهور رساندند .

درموقعی که تربیل خصم به پیکر کشتی خورده ودفعتا اورا دچار لرزه وتشنج کرد من بافرمانده کشتی ومعاون وی وچندین ازصاحب منصبان عالی روی عرشه کشتی بودیم . فوری بنای تدارك را نهاده سعی کردیم بلکه زمام آنرانگاه داریم وسپس کمربند خلاص تقسیم کرده کرجی های نجات‌هرچه مقدور بود باب انداختیم .

ابدافریاد وناله برخواسته نشد . مطلقا زاری‌ونوحه شنیده‌نگردید وهیچوجه اضطراب وتزلزل‌مشاهده نگشت . سکونت وسکوت مناعت کارانه بین این اشخاص که برای پیشرفت مقصود حاضر فدا کاری بودند حکمفرما می‌بود .

اگر خلاصی ونجات را کبین این کشتی تنها بدست رؤسا امکان پذیر میشد مسلما همگی را خلاصی ممکن بود ولی متاسفانه کشتی بایك سرعت وشدت غم خیزی در آب فرومی رفت .

بلا فاصله ودر کمال شدت آب دریا داخل دیك های بخار وکوره های آتش میشد . وقتیکه دیك هاشروع بانفجار وترکیدن را نهادند من خویش را به دریا افگنده وبسرعت شنامیکردم که‌ازمنطقه انفجار ولطمات تکه پاره های کشتی دورتر روم .

دقیقه چند بیش طول نکشید که غرش انفجار واحتراق بایك صدای‌مد هشی وبایك وضع هراس آمیزی برخواست من‌سر خویش را به‌عقب برگردانده – خاتمه‌حیات کشتی رابرای العین مشاهده نمودم فرمانده کشتی کاپیتن « وسکو » دربالای برج عرشه همانطور باقی مانده بود وبایك صدای رسائی که همهمه اشخاص را ساکت کرد فریاد برآورد « فرزندان عزیزم خدا حافظ » اشخاص که در کشتی باقی مانده وروی عرشه وپل بهیئت اجتماع جمع شده بودند بنوبه خویش بایك لحن هیجان انگیزی جواب‌دادند « زنده‌باد فرانسه »

در اطراف کشتی مغروق اشخاصی که‌با کمر خلاص شنا میکردند یادر کرجیها وتخته پاره‌ها سوار بودند خوب مشاهده کردند که جهاز پروانس فرو رفت .

دفعه‌اول بغتتا کشتی یك‌تکان بزرگی بخود داده وسطح عرشه‌مساوی باسطح آب گردید وهمان وقتی که باقیمانده گان کشتی وشنا وران دریا بیك صدا فریاد « زنده باد فرانسه » کشیدند وفاصله آن پنج دقیقه طول کشید .

منظره مهیب وبااهتی بود . پس از آنکه من قریب نیم ساعت شناوری کردم بیك کرجی خلاص رسیدم که جمی در آن بودند ومن هم بنوبه خویش بدان آویزان گشتم ومرا بالا کشیدند .

شب شده است یك‌باد شروری در کمال سردی می‌وزد و گوشت های بدن‌مارا بدندان وزش موذی خویش می‌گزد وغالبی ازما هانکلی لخت هستند وحتی یك جامه خیس شده ازآب هم دربر ندارند .

آن شب زمهریر وعذاب بهیچوجه تمام‌نمیشد ومثل یك سال بنظر می‌آمد ومثل آن بود که صبح خلق نخواهد شد ولی باتحمل آن محنت شکایتی ازلب هابیرون نمی آمد .

رفقای بدبخت وهمراهان مصیبت کشیده من برای رفقای خویش که درکشتی مانده وباآن حالت‌یاس درکام نهنك اجل‌فرو رفتند پیوسته دوچار اندوه بوده وازراری وغم خواری غرق شد گان منصرف نمی شدند وکلمات آنان فقط فحش وناسزائی بود که به‌تحت البحری خصم می دادند که نه قبل ونه بعد ازحمله‌غدارانه وتربیل زدن به‌کشتی جرات نکرد که بالای آب امده وبیرق خویش را نشان‌دهد که که؟ وچکاره است .

تمام مدت شب وقسمتی از روز تاکمر درآب بودیم ودندانهای مان ازشدت سرما پیوسته بهم‌میخورد وفقط علاقه به‌زندگانی وعشق بانکه زنده باشیم و بتوانیم انتقام خویش را بکشیم مارا از مردن ودر اب افتادن حفظ می‌کرد . بالاخره بعد ازبقای ۱۸ ساعت دراین حالت‌دل

خراش یك کشتی ماهی گیری رسید ومارا از این مصیبت ومسکنت نجات داد .

عده از کسانیکه در کرجیها وتخته پاره ها بودند در همان شب از کثرت سرما ورنج جان تسلیم نموده وجمی قریب بموت بودند وعده کثیر ازشدت هول وعذاب مشاعرشان مختل ودیوانه شده بودند .

یك کشتی عس انکلیس ویك کروازر فرانسوی نجات یافته کان را جمع کرده جمی را بسوی جزیره « میلو » وبرخی را بطرف « مالطه » بردند ومن جزو انهایی بودم که بتکیه کاه انکلیس رسیدم .

البته میل خواهید داشت که پاره ازوقایع انساعت بهت آور را برای شما حکایت نمایم وبافتخار نژاد ما این داستان شایسته برای اخلاف باقی ماند .

کاپیتن « وسکو » باصاحب منصبان تا اخرین ساعت زندکانی کشتی به برج عرشه خودرا بند کرده وبایك حس فدا کارانه تعلیمات میدادند که حتی الامکان مسافرین را بتوانند نجات دهند .

توپچیهای توپهای عقب کشتی پروانس بمجرد ترپیل خوردن کشتی توپهای خویش را پر کرده وسعی می‌نمودند که شاید تحت البحری غدار را بتوانند درکوشه مشاهده کرده وسزایش را بدهند وابنقدر درانتظار ماندند تا انکه لوله های توپ بکلی در آب دریا فرو رفت .

بمجردی که کشتی موسوم به « کانادا » ی انکلیس علامت بحری غرق راشنید به استخلاص شتافت و باتفاق کروازر فرانسوی قریب سیصد نفر ازسربازان ورا کبین کشتی خلاصی یافتند .

ازجراید انکلیس

تنقیدات یك صاحب منصب المانی

ازارکان حربیه انکلستان

هرقدر که فرانسویان کفایت دارند انکلیس ها بی کفایت اند توپهای ضد طیارات فرانسویان شکفت انکیز است . صدی نودوپنج ازتلفات هوائی مابواسطه توپهای فرانسوی وصدی پنج بواسطه توپهای ضد طیارات انکلیسی است . طیارات فرانسوی روی هم رفته خیلی برطیارات انکلیس مزیت وبرتری دارند اما آسمان پیمایان انکلیس از مرك بیم و وحشت ندارند وخود را بی‌محابا در خطر میاندازند درمهارت علمی ونقشه وطرز ساختشان طیارات فرانسویان ازطیارات متخاصمین بالاتراند .

خواندن جرائد انکلیس ماراخیلی سرکرم ومشغول میدارد مطالب پلتیکی تمام صفحات آنرا پرکرده است . درنمرات اخیر جرائد انکلیس شروحات مفصل راجع باین مسئله مینوشتند که آیا حقوق اجزاء پارلمان که سرباز شده‌اند دوبرابرشود یاخیرولی ازجنك‌های وردون وازعملیات بین النهرین تقریباً هیچ چیز نمی نوشتند ،

انکلیس ها هنوز درك نکرده اند که اکر دراین جنك غلبه قطعی امانباشد اقلاشکست‌هم نخواهیم‌یافت . درتمام میدانها قشون ما اراضی را که کرفته اند نکاه داشته اند .

ایالات شمالی فرانسه ، بلژیك ، صرب‌لهستان ، ایالات غربی‌روسه وقراطاغ درتصرف ماهستند . راست است که درآسیای صغیر‌برعثمانی حمله کرده اند اما قشون ترك انکلیس هارا ازکالی پولی اخراج نمودند وحالیه باستمداد رود دجله مشغول خفه کردن قشون انکلیس وهند میباشند بواسطه خیانت ژاپونی ها کیاچو ازتصرف ما خارج شد ومستعمرات افریقائی مارا منتزع ساخته‌اند لیکن باید دانست که میدان های کیاچو وافریقا اهمیتی ندارند ونتیجهٔ جنك در روسیه وفرانسه معلوم خواهد شد .

انکلستان شاید هنوز دل خود را خوش کند که ملکه وخانم دریا میباشد اما ملکه ایست که پیروفرتوت شده وسلطهٔ وی براموج دریاهمان قدر میباشد که برآسمانهاغلبه دارد . بحریه انکلستان جهازات بیطرف‌را از آمدن بسواحل ما ممانعت مینمایند ونمیکذارند که کشتی های تجارتی ما سیر کنند اما تحت البحریهای ما در دریا ها مشغول حرکت هستند وقعر اقیانوس را آرامکاه کشتی شکسته های انکلیس کرده‌اند . ما بتوسط ژپلن‌های خویش بدون‌هیچ مزاحمت درآسمان انکلستان سیرمی‌کنیم وتباهی وبوار برآنها میباریم‌واکرجان نفوس بی کناه دراین جنبش هاتلف شودمارا چه کناه است وآیا انکلستان که میخواهد بوسیله محاصره کردن سواحل ماطفال معصوم وزنان بی کناه آلمان را از کرسنکی معدوم نماید عذری کرده اند بیاورد ؟

مااز این جنك متنفر هستیم . شانسلور ما در جلو جمیع عالم اعلام نمیکنند که مقصود آلمان دراین جنك منهدم ساختن قوای مسلح انکلیس است درصورتی که مستر اسکویت درتمام نطق های خویش اعلام‌میدارد که متفقین میخواهند قوای آلمان‌را منهدم سازندو عظمت نظامی مارامعدوم کنند درصورتیکه همین قوه‌ملیت ماراضمانت مینماید .

تعجبی نیست که ما جنك میکنیم ، مکر انکلستان بخواب به‌بیند که درجنکی آلمان شکست یابد هروقت بخاطر میاوریم که لرد کرزان کفته بود که هندیها درعقب قشون فاتح متفقین وارد آلمان می‌شوند بی اختیار میخندیم .

آیاشریف مکه واعراب بغاوت کرده اند ؟

لکهنو – ۲۸ – جون .

در مجلس عام مسلمانان قرار یافت که ایشان از حرکت ناشایستهٔ باغیان عرب اظهار برائت مینمایند وعمل قبیح آن فتنه انکیزان را سراسر خلاف دین اسلام می پندارند . وکسانی را که بان اشرار اعراب غمکساری میکنند خارج از دائرهٔ دین می انکارند . وچنین مردم بی ناموس را اعدای اسلام واسلامیان می شمارند واز مضمون تیلیکرافی ازکلکته که‌بعض مسلمانان ازخبر بغاوت اعراب شادشده‌اند اظهارنفرین سخت وبیزاریٔ وبحث میکنند !

جناب محترم مدیر سراج الاخبار افغانیه –

از اشاعت غیر قابل اعتبار خبر هوش ربا که شریف مکه بخلاف خلافت عظمی علم بغاوت برا فراشته وباتفاق قبایل یمن ووسط جزیرة العرب عساکر عثمانیه‌را درمکه وطائف وجده اسیر کرده . وپیرامون مدینه منوره محاصره نموده . وسکة‌الحدید را ازمدینه تابسیار مسافت درشمال خراب ساخته درهمه عالم اسلامی یك هیجان جهان آشوبی

پیداشده است حسب منطوق کلام رب منعام «ان جآءکم فاسق بنبأ فتبینوا» (اگر بد کارشخصی بشما خبری بیارد. برشما لازم است که در تحقیق وتفحص آن خبردقت نمائید) بزرگان ملت مرحومه راباید که ازمحض شنیدن این خبر وحشت اثر متاثر نشوند - بلکه تدقیق وامعان نظر را کارفرموده پرده ازرخ شاهدحقیقت بردارند. این خبربویژه دراحوال موجوده. زیاده تراحتمال کذب دارد. بشهادت قرائن ذیل - اولاهمین شریف مکه بود که فرزند خودرا رئیس عسکرعثمانی کرده بمقابلهٔ باغیان جنوبی فرستاده بود. ثانیاً همین شریف بود که هنگام اعلان جهاد اکبر پیش ازبیست ویك ماه بیرق همایون سیدلولاك را درمدینهٔ منوره علی روس الاشهادبیرون آورده بود ثالثاًدولت علیهٔ عثمانیه ازملك حجازهیچ محاصل نمیگیرد بلکه هرسال پانزدهم ماهشعبان درقصر همایون سلطانی درقسطنطنیه مراسم صرهٔ همایون که عبارت است از ارسال کردن وظائف شریف مکه ومشائخ وعلما ومجاورین حرمین شریفین بکمال تجمل وشان ادا کرده میشود. صره های طلاء خالص براشتران و قاتران همراه لشکر منظم جانب بیت الله روان کرده میشود —

شریف مکه که بعقل سلیم شهرت دارد. چگونه جبران نقصانات ظاهری تواند نمود؟ در حالت موجوده وادیٔ غیرذی زرع قابلیت محاصل کافی ندارد -

رابعاً شریف لشکر ندارد ونه برای پیدا کردن لشکر منابع ثروت دارد خامساً اگرشریف زیرحمایت دولت نصرانی استقلال اسمی اختیار کرده باشد بیشك «فرمن المطر وقر تحت المیزاب» درحق اوصادق خواهد آمد — دران صورت عالم اسلامی این بی اموسی را هرگز قبول نخواهد کرد.

واقفان اسرار سیاست دول معظمه یورپ اشاعت چنین اراجیف راغبارهٔ استکشافی برای دانستن سمت هوای حسیات خلایق می انمند ایشان را قرآن کریم «المرجفون فی المدینة» لقب داده بود. مثلاً هزیمت فاحش مخالفین درگیلی بولی وسقوط قط العماره وضائعات عظیمهٔ بحریه درمعرکهٔ جتلند وغرقابیٔ لارد کچنر — این واقعات مفزعه درمدت قلیله. وعلاوه بران امکان غالب سقوط وردون همه متفق شده مخالفین را مجبور کرده است باشاعت چنین دروغهای بی بنیاد!

یك امکانی دیگر باقی است که مخالفین دولت علیهٔ عثمانیه دیدند که روزانه تقریباً پنج ملیون زرسرخ صرف میشود. خواستند که بپول گزاف ووعدهٔ اعانت عسکری واسلحه ومهمات جنگ شریف مکه را ازجادهٔ صواب منحرف کننـد. یا کرده اند. البته «الغریق یتشبث بالحشیش». اما این سعی ایشان مورث بلاهای مهلکه برای سعی کنند کان خواهد بود.

اگراین خیال حقیقت باشدیعنی شریف مکه باغوای دولت نصرانی وبمدد آن این رخنه در اسلام انداخته وبخلاف آن دولت اسلامی که تنها در عالم استقلال خویش را نگاه داشته حمله های بزرگترین دول دنیارا متحمل میشود وبرای شرف وبقای اسلام جان ومال را فدا میکنند خروج نموده. البته مرتکب جنایتی کبیر شده است. این عمل وضیع شریف رانه نسلهای موجوده ونه قرون آیندهٔ اسلامیه عفو خواهند کرد - زیرا که خدانخواسته باشددرین نازك حالت ازخانه جنگی احتمال محوشدن دولت عثمانیه وهم جمله دولتهای اسلامیه میباشد این غداری را چگونه امت مرحومه از کسی که خود را از اولاد رسول کریم میخواند عفو نماید!

چو کفر از کعبه برخیزد کجا ماند مسلمانی!

خصوصاً خراب کردن سکة الحدید حجاز که ازپول مسلمانان دنیا ساخته اند ودرهنگام بنایش صدهامسلمین جان خود را طوعاً نثار کرده بودند خیانتی است بهمه عالم اسلامی - برای هزارها حجاج زحمتی شدید پیداشد. چگونه جراید انگلیسی ازتسهیل حجاج ازجهت این بغاوت لاف میزند! الاعراب اشد کفراً ونفاقاً درحق شریف باغی ثابت شود اگر او در حقیقت مرتکب این جنایت کبری شـده است واظهارنفرین ولعن وغضب از مسلمانان لکهنو در حق این جانیان عین صواب باشد.

مسلمانان حقیقی را باید که درصورت ثبوت خبر بغاوت شریف اعوان اوهم همت را نبازند. بلکه امیدوار بمظفریت اسلامیان حقیقی باشند پیشین گوئی حضرت رسول کریم است که بدأ الاسلام غریباً وسیعود غریباً کما بدأ فطوبی للغرباء [اسلام در آغاز در دار غربت مدینه) نائل بقوت وعظمت شد، ونه در دار ظهور (مکه) وزود زمانی آید که باز اسلام در دار غربت (استنبول) ونه در بلاد عرب فائز بنصرت وظفر خواهد شد چنانکه دربدایت شده بود بس آفرین بران مسلمانان حقیقی که دربلاد غربت اسلام را بجان ومال خودبرپا داشته حائز بسعادت دارین باشند درخاتمه باید که شریف ودیگر سادات بفهمند —: الحسنة حسنة وهی من بیت النبوة احسن والسیئة سیئة وهی من دار العلویة أشین (نیـکی نیـکی است اما از خانهٔ پیغمبر نیکوترین مینماید وبدی بدیست ولیکن ازدار العلویه بدتر است)

خبرهای متنوعهٔ جنگ ازجراید اوروپا

ولیعهد عثمانی درفرونت غرب

از بکارست بروزنامهٔ «اوتوروسلی» خبرمیدهند که برحسب معلومات واصله ازاسلامبول، وحیدالدین افندی ولیعهد عثمانی برحسب دعوت امپراطور ویلهلم بمیدان غرب مسافرت می کند که درانجام وقت اختتام جنگ وردن درفرونت مزبور حضور داشته باشد،

تشویقات عثمانی درالبانی

از سالونیك تلگرافا خبر میدهند که پنج نفر صاحب منصب عثمانی ازراه (سانتین) بهالبانی مسافرت کرده اند صاحب منصبان مزبور فتوای شیخ الاسلام عثمانی راهمراه خودبرده اند که درالبانی انتشار دهند. دراین فتوی المان وبلغاررا معین اسلام معرفی نموده والبانیهارادعوت کرده اند که باردوهای آنها ملحق شوند ازقرار معلوم صاحب منصبان مزبور امیدوار بوده اند که بجمع آوری ومسلح نمودن پنجاه هزار نفر از آرناؤدها موفق شده اند.

بیانات یك صاحب منصب المانی

ازاستکهلم تلگرافا خبرمیدهند که یکی ازصاحب منصبان بحریهٔ المان

درضمن مصاحبه بابعضی ازمخبرین جراید سوئد اظهار داشته است که جنگهای بزرگ بحریه المان درفصل پائیز شروع خواهند شد . ودرهمان موقع اغلب کشتیهای جدید المان‌را که فعلا مشغول ساختن آنهاهستند به‌آب انداخته شروع به‌محاربات قطعی دریائی خواهند نمود .

آتش سیال یامایع سوزان

روزنامهٔ « تان » درخصوص یکنوع شعله‌های سیال که المانهابامیشین مخصوص بطرف‌دشمن می‌اندازند ، تحقیقات ذیل‌را مندرج نموده‌است:

المانهاآتش سوزان‌رامانند آب جریان‌داده‌وبتوسط آلت‌مخصوص درجنگ استعمال می‌کنند . این ماشین یامنجنیق شعله پاش بشکل یك استوانه فلزی ساخته شده وطول آن یك‌متر است‌ویك‌لوله بطول‌هشت الی‌ده‌متر به‌استوانهٔ مزبور نصب شده است این‌لوله‌را دونفر سربازنگاه میدارند ویکنفر دیکر نیز همان‌مایع سوزان را اداره می‌کنند . ماشین مزبور شعله‌های سیال خود را تامسافت پنجاه‌متر می‌اندازد وحرکت یاجریان این شعله‌ها علی الظاهرتایکدقیقه مداومت می‌یابد .

مس درالمان

روزنامهٔ (نویه وریعیا) نقل می‌کنند که امپراطور ویلهلم فرمانی صادر کرده ودرجرایدالمان اشاعت‌داده مشعربراینکه باید تمام تخته‌های مس‌را ازسقف عمارات برداشته وسقفهارا ازآهن یاچیز دیگر ترتیب دهند . برحسب این‌فرمان سقف‌عمارت قشنك پوتسدام که ازمس بود برداشته شده ودرسایر عمارات عالیه برلین نیز شروع به‌برداشتن طبقه های مس نموده‌اند . وباین ترتیب درنقاط مختلفه المان سقفهای شصت وپنج عمارت را تغییر خواهند داد وبدین وسیله هزارتن (قریب سه هزار و پانصد خروار) مس تحصیل خواهد شد واز قراری که (نویه وریعیا) مینویسد اینمقدار مس‌برای مصرف کار خانه های مهمات جنگی تا یکهفته کفایت تواند کرد .

خاتمهٔ

سال پنجم سراج الاخبار افغانیه

بفضل وعنایت قادر حکیم لایزال جلت عظمته وتوجهات عرفان آیات اعلیحضرت (سراج‌الملة والدین) بادشاه‌دیانت خصال ترقی‌آمال ، این گرامی نامهٔ‌اسلامیهٔ وطنیه — یعنی جریدهٔ (سراج‌الاخبار افغانیه) سال پنجمین خودرا بااین نسخهٔ بیست وچهارم‌خودبه انجام رسانید . وبقرار سالهای سابق دربنبار نیز بنام (معلم حکمت) یك (هدیهٔ) ناچیزانه ، وبك‌اثرفنیهٔ محقرانه پیشکش انظارقارئین عظام خودنمود .

ازبار گاه ایزدمتعال جل‌شانه تضرع‌ونیاز میکنیم که درزیرظل‌ظلیل عرفان‌دلیل بادشاه‌عدیم‌المثیل دولت‌علیهٔ مستقلهٔ افغانستان (اعلیحضرت سراج‌الملة والدین امیرحبیب الله خان) ادام الله دولته الی مدیدالزمان ، دین ، دولت ، ملت ، وطن ترقیها وتعالیها ، معمور یتهای روزافزون به‌بیند . واین گرامی نامهٔ وطنیه که بخدمت قلمیهٔ ذی مفخرت این مقدسات افتخار مینماید تابسیار سالها برایفای وظیفهٔ مقدسهٔ‌خود دوام ورزدومزایاوثنایای‌ذات‌اعلیحضرت متبوع‌واولی‌الامراعظم‌مقدس‌خودرا تابسی زمانهازینت سرلوحهٔ افتخار خود سازد . آمین

حمله به‌ریکا ازخشکی ودریا

ازپطروگراد تلگراف می‌نمایند که المانها جدیدا درفرونت ریکا مقدار زیادی توپ‌خانه بحری آورده‌اند واتا ماژور کل روس رسیدن توپخانه بحری المان‌را درفرونت ریکا تصدیق مینماید . جریده انوالید ارکان وزارت جنك روس چنین اظهار میدارد که بین‌ظهور این‌نوع توپها دراین قسمت از میدان وشروع به تعرضات قوای بحری المان درفصل بهار برضد خلیج وسواحل ریکا علاقه مستقیم ومحکمی موجود میباشد .

جریده مزبور مینویسد : درصورتیکه قوای بحری‌روس که فعلا درآن‌خلیج برعلیه سفاین جنگی المان جنك‌مینماید بواسطه توپخانه‌بحری المان نتواند به ساحل نزدیك شود توپهای مزبور المانی قوای خشکی خود شان‌را کمك‌ومدد کرده‌ومیتواند مواقع جناح یسارمارادرفرونت ریکا مورد حمله وتعرض قرار دهند وبدین ترتیب میدان ونواحی ریکا ازدوطرف یکی ازجانب کانکر وجزیره‌والون ودیکری ازجانب سواحل خلیج مورد تعرضات قوای بری وبحری المان خواهند شد .

توسعهٔ حقوق نسوان درنروژ

ازاستکهلم تلکرافا خبر میدهند که مجلس ملی نوروژ تصویب نموده است که قانون‌اساسی‌تبدیل‌یافته وبنسوان مملکت حق‌عضویت‌درشورای وزراء داده شود .

استخدام نسوان درجنك

ازپاریس روزنامهٔ « اوترورو سـتئی » خبرمیدهند که ازطرف وزارت جنك فرانسه حکمی صادر شده است مبنی براینکه درمراکز قشونی برای انجام وظایفی که مستقیما وبلاواسطه مربوط بامور جنکی نمیباشد بجای افراد قشون حتی الامکان ازطبقه نسوان معین شوند ازقرار اشعارات جراید فرانسه از روی تجربه معلوم شـده است که این ترتیب نتایج خوبی ظاهر ساخته است .

احتراق درکارخانه باروت

ازلندن روز نامهٔ نوویه ورمیا خبر میدهند که برحسب معلومات شعبهٔ مطبوعات انکلیس وزیر قورخانه اطلاع داده است که هفتهٔ کذشته درکارخانهٔ باروت « کاند » احتراق بزرکی وقوع یافته وبواسطهٔ احتراق مزبور چندین انفجار حادث شده است حریقی که موافق ظهر آن روز واقع شده است اتفاقی بوده است آخرین انفجار درساعت دو بعدازظهر واقع کردیده است .

عدهٔ ضرر دیدکان این حادثه بطور تخمین دویست نفر میباشند .

تبریکات قیصر

امستردام مورخه ۲۶ مارس ـ برطبق تلکرافی که ازبرلن رسیده قیصر تلکراف ذیل را به هرهیلفریش مخابره نموده است .

ازراپورت نتیجه قرضه چهارم جنك خیلی مسرورم . اینك شما وبجمیع کسانی که دراین مسئله کمك کردند تبریکات وتشکرات خودرا اظهار میدارم . این استقراض دلیل بر آنست که ملت المان دارای یك قوت وقدرت تزلزل ناپذیری است وعزم وتصمیم آنها درفتح تکان نخورده وواقع این قوت وقدرت اخلاقی را باید در ردیف شجاعت وشهامتی قرار داد که هرروزه سپاهیان ما درمیدان جنك بروز میدهند .

ملتی که بایك چنین روحی مانند یك وجود برضد دشمنانش مقاومت می کند وبر خـداوند اعتماد دارد میتواند برفتح وغلبه خویش امیدوار باشد (روتر)

ازجراید فرانسه

ماموریت های فوق العاده فرزندان قیصر

ا کوست ویلهلم نایب السلطنه بلژیك

ازامستردام تلکرافا اطلاع میدهند که پرنس ا کوست ویلهلم چهارمین پسر قیصر ویلهلم عنقریب بایکعده اشخاص ویك موکبه مهمی وارد بروکسل پای تخت بلژیك خواهد شد پرنس مزبور بجای « ون بیسینك » فرمانفرمای کل آن مملکت برقرار ولقب نایب السلطنه بلژیك را خواهد کرفت .

از سویس تلکرافات وارده اشعار میدارد که روزنامه « طنین » منطبعه اسلامبول خـبر داده است که پرنس ایتل فردریك فرزند دوم قیصر المان بهمین زودی واردقسطنطنیه خواهد شد وبرحسب ماموریت ازجانب پدریك قبضه شمشیر مرصع خیلی نفیس هدیه امپراطوری را بسلطان عثمانی تقدیم میدارد

اعلان

سراج التواریخ

جلد اول ــ و دوم

زند کانی جاودانی هرقوم وملت (تاریخ آنست .(سراج التواریخ) ائینهٔ حیات نمای ملت جلیل افغانست . زیرا از آغاز تشکیل وتاسیس یافتن دولت افغانیهٔ حالیه بحث میراند که برای حال واستقبال ملت بهتر ازین درسکاه عبرت ، وخوشتر ازین انتباه ملت تصور نمیشود . هرفردی از ملت را واجب است که یك نسخهٔ ازآنرا بدست آرند ومانند حرزجان در کتابخانهٔ قلوب خودشان نکهدارند . علی الخصوص که کتاب مذکور به نیت خالصانه وخیر خواهانهٔ استفادهٔ عمومی به امروفرمان ذات عرفان صفات پادشاه مقدس مااعلیحضرت « سراج الملة والدین » تألیف وتدوین ودرمطبعهٔ حروفی دارالسلطنه کابل بزیور طبع آرایش وتزئین یافته است.

جلد اول این کتاب ازابتدای سلطنت خاندان ذیشان (سدوزائی) یعنی از آغاز تأسیس واستقلال دولت علیهٔ افغانستان تاورود اعلیحضرت امیر کبیر امیردوست محمدخان مرحوم جنت مکان ازهند در کابل بحث میراند وجلد دوم آن ازحکومت خاندان جلیل الشان (محمدزائی) یعنی ازابتدای حکومت اعلیحضرت امیر کبیر امیر دوست محمد خان تابه اول جلوس اعلیحضرت « ضیاء الملة والدین امیر عبدالرحمن خان » طاب ثراه وقائع تاریخیه را جامع میباشد برکاغذ اعلا بحروف تیپ بطبع رسیده است . قیمت کتاب مذ کور نسبت بزینت وخوبی تجلید آن ازقرار ذیل است

نمبر (۱) پشتی چرمی چرم نصواری دانه دار کابلی بخت چهار حاشیه جدول طلاپر کار نشان دولت واسم کتاب از ورق طلای اصل جزو بندی شده مبلغ شانزده روپیهٔ پختهٔ کابلی ــ

نمبر (۲) پشتی مقوا رویه کیره ماشی چهار کنج وزیر چرم قرمه سیاه حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته سیزده روپیه پختهٔ کابلی ـ

نمبر (۳) پشتی مقوا رویه کیره لاجوردی چهار کنج وزیر چرم میشی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته جزء بندی شده یازده روپیه پخته کابلی وده شاهی ــ

نمبر (٤) پشتی مقوا رویه ابری چهار کنج وزیر چرم میشی سرخه کابلی بخت حاشیه واسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته کوك بندی شده ده روپیه پخته کابلی وسه شاهی ــ

نمبر(۵) پشتی مقوا رویه ابری سرخ چهار کنج وزیر کیرهٔ سیاه اسم کتاب ونشان دولت ورق طلاء جته کوك بندی شده نه روپیهٔ پختهٔ کابلی ویازده شاهی ــ

محل فروخت

درنفس ارك مبارك که از تحویل خانهٔ جناب محمدولیخان سرجماعه

در بازار ارك از دکان عبدالله خان

چون کتاب مستطاب سراج التواریخ چهارجلد میباشد اکردریك وقایه وشیرازه میشد حجم کتاب موصوف کلان میشد لهذا اعلیحضرت همایون ولا امر نمودند که جـلد اول ودوم دریك وقایه شیرازه شود وجلد سوم وچهارم آن که هنوز درزیر طبع میباشد وپس ازانکه ازطبع برآمده مقوا کرده شد انشاءالله اعلان فروش آن نشر کرده خواهد شد فقط

در چهاپخانهٔ حروفی دارالسلطنه کابل طبع کردید

همه مقاله هائیکه دستخط ندارد از طرف مدیر وسر محرر تحریر یافته

محمود طرزی

اعلان

عموم مشترکین کرام خودرا

یاد آوری میکنیم

هرقدرسعی و کوشش کردیم که ازشکایت نرسیدن اخبار مشترکین کرام دارالسلطنه کابل خودرها نیابیم ممکن نشدلهذا باداکخانهٔ مرکزی دارالسلطنهٔ کابل یک مقاوله نموده داکخانه مشارالیه تقسیم وتوزیع اخبارمارا که بهمه مشترکین کرام‌ما برساند درعهدهٔ حمیت خود قبول نمود . مشترکین کرام دارالسلطنهٔ خود را تبشیر ویاد آوری میکنیم که بعد ازین اخبار های‌شان بدون واسطهٔ غیر فردا فردا بواسطهٔ آدمهای داکخانه بخود شان میرسد .

شرایط خریداری			
دارالسلطنه		ولایت داخل افغانستان	
قیمت سالیانه	هشت روپیهٔ کابلی	سالیانه	چارده روپیهٔ کابل
قیمت ششماهه	بنج روپیه کابلی	ششماهه	هشت روپیه کابلی
در خارج افغانستان			
هرجائیکه باشدبا اجرت بوست			
قیمت سالیانه	ده روپیه انگلیزی	قیمت ششماهه	شش روپیه انگلیزی
سه ماهه اشتراك قبول نمیشود			
یك طلای بوند انگلیزی بانزده روپیهٔ کلدار است از همین قرار حساب کنند			

(شرایط درج کردن اعلانها)

سوداگرانی که مال تجارتی . وصنعتگرانی که صنعت خود شانرا درسراج الاخبار افغانیه اعلان واشتهار کردن میخواهند . وبا دیگر هررقم اعلان واشتهاریکه باشد از قرار شرایط ذیل درج وشایع میشود :

اعلانیکه درمتن اخبار از یکبار تابه بنج بار نشر وشایع شود برسرهر سطر ۱ یك روپیهٔ کابلی واگر از بنج بار بیشتر نشرکردن خواهند فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی اجرت گرفته میشود اعلانیکه درین ورق وقایه درج شود از یکبار تابه بنج بار فی سطریك قران یعنی نیم روپیهٔ کابلی واگر ازبنج بار بیشتر نشر کردن خواهند فی سطر سه شاهی اجرت گرفته میشود . طول سطریك ستون اخبارما (۳ — اینج — ٤ — سوت) میباشد

هرگاه شخصی اعلان خودرا متمادیاً تایك سال نشر کردن خواهد ووجه یك ساله را بیشکی ادا نمایددر ورق بشتی برسر سطری ستار اجرت گرفته میشود

اعلان

سیاحتنامهٔ سه قطعهٔ روی زمین

در ۲۹ روز

آسیا ✻ آوروپا ✻ آفریقا

(مطبعهٔ عنایت) یك اثر دلپذیر جدیدی درنظر هوسکاران عرفان جلوهٔ عرض‌میدهد . بدست آرید ، بخوانید درظرف ۲۹ روز یك مدت کمی سه‌قطعهٔ زمین را باسیاح یکجا وهمراه دور وسیر میکنید . ملکهائی را که بران میگذرید مفصل ومکمل جغرافیا وتاریخ آنرا خوانده میتوانید . چه چیزها می بینید . چه چیزها میشنوید ، چه لذتها چه سرورها میگیرید ! علمی ، ادبی ، سیاسی درعین زمان شاعرانه عاشقانه هوسات برانگیزانه — یك اثر !

این اثرازسه جلد مرکب ودریك وقایه مجلد میباشد . تقریباً (۷۰۰) صحیفه ، وبا (۱۰۵) قطعه تصاویر مناظر مختلفه واشخاص معتبره ونقشه های مهمه مزین است . نسبت باینهمه خوبیهای آن قیمت (۷) هفت روپیهٔ کابلی آن هیچ نیست . کاغذ اعلا ، چاپ حروفی ، تصاویر زینکو گرافی ، جلد محکم واستوار : دیگرچه میخواهید ! همینقدر که یادر نفس مطبعهٔ مبارکه‌درده افغانان به (عبدالرءوف) خان سرمرتب مطبعهٔ مبارکه ، یادربازارارك بدکان (بازمحمد) تاجر کتب ویادر بازار کتب فروشی متصل مدرسهٔ شاهی بدکان حاجی ملا (غلام محمد) خان تاجر مشهور کتب رو اورده بمبلغ فوق کتاب مذکور را بدست آرید دیگرچی کاری نماند

(اعلان)

پراکنده

از آثار مطبوعهٔ تازهٔ مطبعهٔ مبارکهٔ عنایت، عبارت از یك مجموعهٔ اشعار ابدار تجدد آثاری میباشدکه برکاغذ اعلا، وخوبی طبع دلربا، باتصاویر بسیار زیبا جلوه گر بازار عرفان گردیده است. اگرچه از بحث خط وخال بعید است ولی مضامین وخیالاتش سراسر بیکطرز جدیداست. نسبت بخوبیهای ظاهری ومعنویش قیمتش خیلی ارزان. یعنی بمقابل (۲) دو روپیهٔ کابلی درخود مطبعهٔ عنایت از نزد عبد الرؤف خان سر مرتب، ودر بازار ارك از دکان باز محمد، ودر متصل مدرسهٔ شاهی از دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب هرکس خریده میتواند.

اعلان

جزیرهٔ پنهان

هوسکاران مطالعه آثار ادبیه را مژده! ازین نوبسر رسیدهٔ گلزار «مطبعهٔ عنایت» کام جانرا شیرین نمائید! «جزیره پنهان» یك ناولیست که قوت عـ ومعرفت وسعی وغـیرت را برای اساس زندگانیٔ نوع نی بشر بنظر ثابت وجـلوه گرمیسازد. هم حکایت، هم عبرت هم فن، هم فضیلت! خوبی چاپ، خوبیٔ کاغذ، خوبیٔ تصویرش علاوه، قیمتش نظر بخوبیها باطنی وظاهریش بسیار ارزان! تنها (۶) شش روپیه محل فروخت نفس مطبعهٔ عنـایت در ده افغـانان، دکان باز محمد در بازار ارك، دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل در مدرسهٔ شاهی.

اعلان

از اداره

کتاب سال اول سراج الاخبار افغانیه مجلد

کتاب سال دوم ... مصور مجلد

کتاب سال سوم ... مصور مجلد

کتاب سال چهارم مصور مجلد

علم و اسلامیت

آیا چه باید کرد؟

ادب درفن

ترجید

مختصر جغرافیای عمومی

این کتابهای فوق دراداره موجوداست. هرکس که آرزوی خریداری آنها را داشته باشد به اداره مراجعت کند.

اعلان

از مطبعهٔ عنایت

	قیمت روپیه کابلی
سیاحت بدورا دورزمین بهشتادروز مجلد	۲
سیاحت درجو هوا مجلد	۲
سیاحت درزیر بحر مصور مجلد	۴
ازهر دهن سخنی وازهر چمن سمنی مجلد	۲
روضهٔ حکم مجلد	۲
پراکنده مصور مجلد	۲
جزیرهٔ پنهان مصور مجلد	۶

هرکس که آرزوی خریداریٔ این کتابهای مافوق را داشته باشد از خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان از نزد عبدالرءوف خان سرمرتب واز دکان باز محمدخان کتابفروش دربازار ارك واز دکان حاجی غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسه شاهی بقیمتهای معینش خریداری کرده میتوانند.

واگر از خارج افغانستان ارزوی خریداری کتابهای مافوق را بکنند بامدیر سراج الاخبار افغانیه مخابره کنند.

اعلان

کتابهایٔ مجلد سراج الاخبار افغانیه، وکتابچههای علاوهگان وشماره های متفرقهٔ آن، وهمه کتابهای مطبعهٔ عنایت خریدارانی که آرزوی خریداریٔ آنهارا داشته باشند از دکان حاجی ملا غلام محمدخان تاجر کتب متصل مدرسهٔ شاهی، واز دکان باز محمد خان تاجر کتب در بازار ارك بقیمتهای معین آن خریداری کرده میتوانند ونیز در خود اداره درماشینخانهٔ مبارکه، ودر خود مطبعهٔ عنایت درده افغانان هم بفروش میرسد فقط